هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی

اخبار آزاد مناطق

شماره ۲۴۱ - دوشنبه
۱۳ شهریور ماه ۱۴۰۲
سال پنجم
۱۵۰۰۰ تومان

در گفت‌وگو با تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی مناطق آزاد کشور بررسی شد:

ارتفاع پَست توسعه، حقیقتی روشن از توهم صعود قدرتمند مناطق آزاد

صفحه ۴ و ۵ را بخوانید

سرمقاله

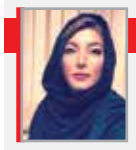

مرضیه حسینی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول

تقابل بدنه اطلاع‌رسانی دولت با جامعه رسانه‌ای کشور

امروز در هر جامعه‌ای، رسانه‌ها بخشی از دستگاه حکمرانی می‌باشند و اگر دولتی نتواند همراهی رسانه‌ها را جلب کند و یا در یک جبهه‌گیری عامدانه با رسانه‌ها، سعی کند واقعیت‌ها را انکار نماید؛ سیاستگذاری و اجرا در آن جامعه دچار مشکل شده و در نهایت قدرت اقناع افکار عمومی از سوی سیستم تضعیف می‌گردد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با درک صحیح و هوشمندانه از این واقعیت مهم، بارها در مقاطع مختلف دولت‌ها را به همکاری با جامعه رسانه‌ای ترغیب نموده‌اند و همچنین رسانه‌ها را در قالب مفهومی بنام «جهاد تبیین» برای بالا بردن آگاهی‌های اجتماعی، به کار و تلاش روشنگرانه دعوت فرموده‌اند.

مقام معظم رهبری اخیرا نیز در دیدار با هیات دولت به مناسبت هفته دولت، به اهمیت فعالیت رسانه‌ای درست، دقیق و متعهدانه اشاره نموده و بیان داشته‌اند: برای هر اقدام مهم، یک پیوست تبلیغاتی روشن لازم است.

متاسفانه این امر مهم و حیاتی نه‌تنها تاکنون موردتوجه دولت سیزدهم قرار نگرفته؛ بلکه بدنه اطلاع‌رسانی دولت و دولتمردان با ارائه اطلاعات ناشیانه و نادرست، دقیقا در خط مواجه با جامعه رسانه‌ای حرکت می‌کنند. این پدیده در حوزه ارائه آمارهای غلط، متعارض و غیر کارشناسانه نمود و بروز یافته است. در این ارتباط نیز رهبر معظم انقلاب به دولتمردان دولت سیزدهم در دیدار اخیر تذکر صریحی داده‌اند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر استفاده از خردجمعی در کارها، فرموده‌اند: سخنان، آمارها و وعده‌های مسئولان دولتی باید انسجام داشته باشد؛ نه اینکه دستگاه‌ها، آمارها و وعده‌های یکدیگر را رد کنند یا غیرعملی بدانند.

این تقابل‌جویی بدنه اطلاع‌رسانی دولت با جامعه رسانه‌ای، درحال حاضر باعث ناامیدی جامعه از عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف شده است؛ چراکه افکار عمومی صاحب تحلیل ایران با رصد اخبار و اطلاعات از رسانه‌های مختلف و متنوع، گفته‌های مسئولان را در تضاد با منطق و واقعیت‌هایی مشاهده می‌کنند که تایید آن، انکار خرد و شعور انسانی است.

به عنوان مثال، در حوزه مناطق آزاد، مسئولین امر بدون توجه به درک و قدرت استدلال مخاطبین خود، آمارها و اظهاراتی را عنوان می‌کنند و یا تریبون‌های رسمی آنها موضوعاتی را انتشار می‌دهند که برای هیچ آدم نصفه‌عاقلی هم قابل هضم نیست. این پدیده شوم از صدر تا ذیل سیستم مدیریت مناطق آزاد یعنی از دبیرخانه شورایعالی تا سازمان‌های مناطق آزاد صدق می‌کند. چنانچه مسئولین ارشد دبیرخانه از یک نمایشگاه سه‌روزه در یک استان، آماری عجیب از میزان جذب سرمایه‌گذاری را بیان می‌کند و پس از آن، مدیری در یک سازمان، با تقلید از مسئول ارشد، آماری محیرالعقول را به عنوان دستاورد سازمان متبوع خود از نمایشگاه کذایی منتشر می‌نماید. یعنی اغراق در ارائه آمار و دادن گزارشات خیالی، به یک عادت در بدنه مدیریتی مناطق آزاد تبدیل شده است.

در کنار این امر، نهادهای اطلاع‌رسانی مناطق آزاد یعنی واحدهای روابط عمومی دبیرخانه شورایعالی و سازمان‌های مناطق آزاد، به‌جز تعداد معدودی، مسابقه قصیده‌گویی‌های متملقانه راه انداخته‌اند، بدون این‌که به فهم و شعور مخاطب خود ارزنی احترام قائل شوند.

حال در این فضای مسموم که واقعیت در مقابل اغراق قرار گرفته است؛ جامعه رسانه‌ای فعال در حوزه مناطق آزاد، دردمندانه می‌کوشند زبان فعالین اقتصادی و مردم در این مناطق باشند. آنها نمی‌دانند به روشنگری بیانات مشعشع مسئولین بپردازند، یا مشکلات و مسائل بلاتکلیف موجود در مناطق آزاد را اطلاع‌رسانی نمایند؟!

در این میان اصرار عامدانه مسئولین و تریبون‌های رسمی دبیرخانه و سازمان‌های مناطق آزاد برای فرار از واقعیت‌ها و بیان آرزوهای خیالی خود، باعث شده است رسانه‌ها تحت فشار جامعه و سیستم قرار بگیرند. جامعه انتظار دارد رسانه‌های متعهد و دلسوز واقعیت‌های تلخ موجود را منعکس کنند و بخشی از سیستم توقع دارد رسانه‌ها با چشم‌پوشی بر خلاف‌گویی مسئولین، مردم را به آینده امیدوار نگه دارند!

این انتظارات متعارض از رسانه‌ها، ریشه در رفتار غلط مسئولین و مجریان دارد. آنها با انکار واقعیت و فرار از عمل درست و اصولی به مسئولیت، رسانه‌ها را سپر بلای خود می‌نمایند. رسانه‌ها نیز که در ارتباط مستقیم با جامعه قرار دارند، با هیچ ترفند رسانه‌ای قادر نیستند بیشتر از یک زمان محدود، واقعیت‌ها را مخفی کنند. توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی نیز باعث شده است مردم و مخاطبین در یک زمان کوتاه، به منابع خبری متعدد دسترسی داشته باشند و بتوانند مراجع خبری خود را تغییر دهند. بنابراین رسانه‌های رسمی مجبورند برای حفظ اعتبار رسانه‌ای خود، به انتشار واقعیت‌های انکار شده از سوی مسئولین مبادرت نمایند. حال با انجام این کار از سوی رسانه، مسئولینی که از رسانه توقع داشتند شریک جرم آنها شود، طلبکار می‌شوند و با مظلوم‌نمایی سعی می‌کنند رسانه را به سیاه‌نمایی و تشویش اذهان عمومی متهم نمایند.

در نهایت باید تصریح کرد، پیش از هر موضوعی، امروز مسئولین دولت سیزدهم که ادعا انقلابی‌گری و ولایتمداری دارند، باید به فرمایش مقام معظم رهبری گردن نهند و با پذیرفتن اصالت نقش رسانه‌ها در جامعه و توسعه همه‌جانبه آن، دست از تقابل‌جویی‌های عامدانه با جامعه رسانه‌ای بکشند. یقینا در آن صورت سرمایه اجتماعی دولت و همراهی مردم با برنامه‌های آن تقویت خواهد شد. در غیر این صورت، با هیچ‌انگاری رسانه‌های مرجع و معتبر در کنار انکار شعور و درک بالای مردم و مخاطبین، دور باطل کنونی، نتایج تلخی را رقم خواهد زد و باعث فاصله گرفتن بیشتر افکار عمومی از مسئولین و عدم باور به گزارشات رسمی دولت می‌گردد.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش تاکید کرد:

وجوب اصلاح فرآیندهای تمامی بخش‌ها و دستگاه‌های دولتی در جـــزیره کیش

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش گفت: تمام دستگاه‌ها، ادارات و نهادهای مستقر در جزیره کیش ملزم به ارائه برنامه‌های خود در حوزه بهبود فرآیندها هستند.

رحیم سرهنگی در نودوپنجمین جلسه شورای اداری سازمان منطقه آزاد کیش که در سالن رازی مرکز همایش‌های بین‌المللی کیش برگزار شد؛ بر اصلاح فرآیندهای تمامی بخش‌ها و دستگاه‌های دولتی در جزیره کیش تاکید کرد.

وی تصریح نمود: همه مسئولان بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف موظف به تکریم، پاسخگویی دقیق و ارائه خدمات مناسب به مردم هستند که رضایتمندی آنان را در پی داشته باشد؛ از این‌رو، دستگاه‌ها ملزم به ارائه برنامه‌های مکتوب خود در راستای تحقق این مهم هستند.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با بیان این که شورای اداری منطقه آزاد کیش از این پس ماهانه برگزار می‌شود، ادامه داد: سیستم ارزیابی از ادارات، نهادها و سازمان‌های مستقر در جزیره کیش براساس نظرخواهی از مردم در فضای مجازی و نظرسنجی از آنان راه‌اندازی خواهد شد تا نقاط ضعف و قوت دستگاه‌های مستقر در کیش شناسایی شود.

سرهنگی با اشاره به دیدار مسئولان سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت‌های تابعه با مردم در مسجد امام حسن مجتبی(ع)، بیان داشت: مصمم هستیم فرهنگ پاسخگویی را در قالب دیدار مردمی ترویج و در مناسبت‌های مختلف به آن تداوم بخشیم.

وی خواستار تسهیل در صدور مجوزهای کسب و کار شد و اذعان نمود: مساحت کم جزیره کیش و تجمیع ادارات، دستگاه و نهادها در فاصله کوتاه از یکدیگر می‌تواند با توجه به همه‌گیر نشدن فرهنگ بهره‌مندی از خدمات دولت الکترونیک، کیش را در زمره مناطق پیشتاز در این زمینه مطرح کند.

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد کیش با بیان این‌که همه ما عضو یک مجموعه، خانواده و نمونه کوچکی از ایران در جزیره کیش هستیم، افزود: تاثیرات عملکردی هر یک از دستگاه‌ها بر یکدیگر رصد و شناسایی خواهد شد و در این میان هر یک از دستگاه‌ها نیز باید نظام شناسایی مشکلات خود و رفع سریع آنها را داشته باشند.

سرهنگی با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری اظهار داشت: کار شبانه‌روزی و جهادی را در دستورکار خود قرار دهیم تا مردم در سایه تعامل و همکاری دستگاه‌ها، از خدمات ما منتفع شوند.

وی با اشاره به پایین بودن سطح بهره‌وری و لزوم توجه به این مقوله عنوان کرد: مدیریت توانمند و باانگیزه در کنار اصلاح فرآیندها و ارتقاء کارایی کارکنان به‌وسیله آموزش، ایجاد انگیزش، رعایت عدالت و نظام پرداخت دستمزد عادلانه، امکان ارتقاء سطح بهره‌وری را مهیا می‌کند.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به هجمه‌های رسانه‌ای دشمن در کم‌رنگ کردن دستاوردهای انقلاب اسلامی و ایجاد ناامیدی در بین مردم با القاء عدم توانمندی دولتمردان در ایجاد یک حکمرانی توام با توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گفت: جزیره کیش نمونه و پایلوت مناسبی برای تحقق حکمرانی مطلوب و معرفی الگوی مناسبی از مدیریت در جمهوری اسلامی ایران و تداعی‌کننده یک آرمانشهر اسلامی است که در آن بخش خصوصی، دولتی و اقشار مختلف مردم به وظایف خود واقف هستند و آن را به نحواحسن انجام می‌دهند.

سرهنگی، بر لزوم همکاری و همیاری تمام دستگاه‌ها در تحقق آرمان شهر اسلامی تاکید و اظهار نشان کرد: ارائه خدمات مناسب به مردم، تکریم آنان و ترویج فرهنگ پاسخگویی مسئولان می‌تواند زمینه‌ساز حکمرانی مطلوب و ایجاد امید در جزیره کیش و تسری آن به سرزمین اصلی باشد.

وی اضافه کرد: گردشگری سهم بسزایی در رونق جزیره کیش برعهده دارد و تمامی مراکز خدمات گردشگری باید به این موضوع توجه داشته باشند که ارائه خدمات مطلوب موجبات رضایت و بازگشت گردشگر را فراهم می‌کند و این مهم را نیز باید مدنظر قرار دهند که اگر مجموعه‌ای خودبهبود نباشد، تنزل پیدا می‌کند.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان با اشاره به هزینه بالای اجاره خانه در کیش، آن را مشکل ملی و در سطح کشور دانست و بر لزوم ساخت واحدهای مسکونی غیرقابل فروش و ارائه آن به زیرمجموعه فعالان اقتصادی تاکید و خاطرنشان کرد: انبوه‌سازی واحدهای مسکونی این امکان را می‌دهد که قیمت اجاره خانه را در کیش کنترل و از سوداگری در این زمینه جلوگیری نماییم.

حجت الاسلام و المسمین علیرضا بی نیاز امام جمعه کیش:
بهترین خدمت به نظام اسلامی، رفع مشکلات مردم است

همچنین امام‌جمعه کیش در این جلسه با تسلیت ایام سوگواری امام حسین(ع) و گرامیداشت هفته دولت گفت: از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت(عج) و پیروزی نهایی جبهه حق بر باطل می‌باشد، از این‌رو این دولت بسیار مقدس و ارزشمند است.

حجت الاسلام و المسمین علیرضا بی‌نیاز با بیان این‌که خدمت در چنین نظام و دولتی تقدس و ارزش خاصی دارد و نباید آن را تنها یک مسئولیت اجرایی نبینیم، ادامه داد: بهترین خدمت به نظام اسلامی، رفع مشکلات مردم است که مسئولان با اجابت این مهم، خود را در زمره سپاهیان و لشکریان امام زمان(ع) قرار می‌دهند.

وی با اشاره به عواقب و مصائب ارجحیت مصالح شخصی بر مصالح جامعه و مردم افزود: نظام اسلامی برای انجام رسالت خود نیازمند کارگزاران، مدیران و مسئولان متقی، صالح، توانمند و جهادی است که این ویژگی‌ها در شخصیت شهید باهنر و رجایی بارز و مشهود بود.

امام‌جمعه کیش در پایان تصریح کرد: امیدواریم با حضور رحیم سرهنگی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، شاهد رفع مشکلات و توسعه کیش باشیم و فراموش نکنیم که عضوی از یک نظام و دولت اسلامی هستیم که زمینه‌ساز پیروزی حق بر باطل و ظهور امام عصر(عج) است.

گفتنی است، بهره‌مندی از ظرفیت دانشگاهی و رفع مشکل پروازها برای تشکیل کلاس‌های درسی دانشگاه‌ها، تشریح وظایف قرارگاه تبیین جزیره کیش، کمبود آب جهت آبیاری فضای سبز، رفع مشکلات زیرساختی در زمینه تجارت الکترونیک و توسعه کسب و کارها با محور موانع گمرکی، همکاری تمامی ادارات در مبارزه با مواد مخدر و نصب نشدن صددرصدی پلاک کدپستی ده رقمی برای منازل، ازجمله مواردی بود که در جلسه شورای اداری منطقه آزاد کیش مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

شایان ذکر است، لزوم انعکاس عملکرد دولتمردان در دولت سیزدهم از سوی رسانه‌های گروهی، ارسال اطلاعات و آمار تمامی دستگاه‌ها به سازمان منطقه آزاد کیش، بازسازی مدارس کیش و قدردانی رئیس آموزش پرورش از اقدامات رحیم سرهنگی، تعرفه آب و برق، تنوع قراردادهای استخدامی و نابرابری در پرداخت دستمزدها، طراحی مدل فرهنگ سازمانی در کیش، خودمراقبتی و پیش‌بینی آسیب‌ها قبل از ایجاد بحران در ادارات کیش، از دیگر موارد مطرح شده در این جلسه بود.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش اظهار داشت:

ماموریت سازمان منطقه آزاد کیش تبدیل آموزش‌وپرورش جزیره به الگوی آموزشی در کشور

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش از رسیدگی به فضاهای آموزشی و بهبود کیفیت آموزش به عنوان یکی از ماموریت‌های سازمان یاد کرد و نقش ویژه آن در الگو شدن آموزش و پرورش کیش در کشور را مهم و سازنده خواند .

رحیم سرهنگی در نشست شورای آموزش و پرورش که با حضور احمد محمودزاده معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش برگزار شد؛ با تاکید بر اهمیت توجه به ارتقاء فضاهای آموزشی و رفع مشکلات موجود در آموزش و پرورش جزیره کیش گفت: کمبود فضای آموزشی دولتی در کیش یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سازمان به‌شمار رفته و باید برای رفع این مشکل اقدامات اساسی صورت گیرد.

وی در ادامه افزود: از ابتدای تیرماه تاکنون بالغبر ۲۵میلیارد تومان هزینه توسط سازمان منطقه آزاد کیش از محل بودجه سالانه فرهنگی و آموزشی، صرف بهسازی و نوسازی مدارس کیش شده است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به اقدامات انجام شده از سوی سازمان متبوع خود در آستانه سال تحصیلی جدید عنوان کرد: از حداکثر فضاهای موجود برای افزایش سرانه آموزشی در کیش استفاده خواهد شد .

سرهنگی همچنین اظهار داشت: با همکاری وزارت آموزش و پرورش و تعیین و تخصیص بودجه و اعتبار از سوی این وزارتخانه در مهرماه سال جاری به آموزش و پرورش کیش، نسبت به کلنگ‌زنی و ساخت چند مدرسه جدید اقدام خواهد شد.

وی تصریح کرد: تبدیل آموزش و پرورش جزیره به الگوی آموزشی در کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین ماموریت‌های سازمان منطقه آزاد کیش به‌شمار می‌رود که این امر با حمایت‌های وزارت آموزش و پرورش محقق می‌گردد.

سرهنگی بیان داشت: در صورت پرداخت فوق‌العاده ویژه به معلمان کیش از سوی وزارت آموزش و پرورش، سازمان نیز نسبت به امر تجهیز، تعمیر و بهسازی مدارس به صورت مضاعف اقدام خواهد کرد.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان با تاکید بر همکاری و مشارکت وزارت آموزش و پرورش، اداره کل استان هرمزگان با سازمان منطقه آزاد کیش در راستای رفع مشکلات آموزش و پرورش و همچنین پایین بودن سرانه فضای فیزیکی در کیش نسبت به سرانه کشوری خاطرنشان کرد: با مشارکت ۷۰درصدی سازمان منطقه آزاد کیش و ۳۰درصدی وزارت آموزش و پرورش و اداره کل استان هرمزگان، نسبت به افزایش فضای فیزیکی مدارس کیش اقدام خواهد شد.

معاون وزیر آموزش و پرورش:
بهبود کیفیت آموزشی با افزایش فضای آموزشی و کاهش تراکم دانش‌آموزان

همچنین، معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش نیز در این جلسه با تاکید به برگزاری ماهیانه شورای آموزش و پرورش در کیش گفت: با همکاری تمام دستگاه‌ها و نهادها در راستای اجرای قانون شورای آموزش و پرورش به عنوان یکی از قوانین مترقی در بحث نظام آموزشی کشور می‌توان بسیاری از مشکلات پیش‌روی در این حوزه را برطرف کرد.

احمد محمودزاده از تامین و تربیت نیروی انسانی در آموزش و پرورش به عنوان یکی بزرگترین و مهم‌ترین سرمایه‌های کشور نام برد و اظهار داشت: در تمام اسناد بالادستی به این امر مهم نیز اشاره شده است.

معاون وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: افزایش فضای آموزشی و کاهش تراکم دانش‌آموزان در بهبود کیفیت آموزشی نقش مهمی ایفا کند.

گفتنی است، افزایش و توسعه مدارس دولتی، رسیدگی به وضعیت معیشت و مسکن معلمان، بهبود فضاهای آموزشی و مدارس، ارتقاء کیفیت در آموزش و پرورش، وام ودیعه مسکن، تامین نیروی انسانی، افزایش فضای آموزشی و بازنگری حق مسکن پرداختی، ازجمله مواردی بود که در این جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

با هدف آشنایی بیشتر با مطالبات و تسریع در رسیدگی به و مشکلات مردم برگزار شد:

دیدار چهره‌به‌چهره مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با ۹۰نفر از کیشوندان

مشکلات و درخواست‌های ۹۰نفر از کیشوندان با حضور رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، معاونین، مدیران و مدیران عامل شرکت‌های تابعه بررسی شد.

در این دیدار که در مسجد امام حسن مجتبی(ع) برگزار گردید؛ رحیم سرهنگی به همراه معاونان و مدیران سازمان منطقه آزاد کیش و مدیران عامل شرکت‌های تابعه و رئیس بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی کیش، از نزدیک ضمن آشنایی با مشکلات کیشوندان دستورات لازم را جهت پیگیری و رفع آنها صادر کردند.

در این دیدار مردمی که در فضایی صمیمی و به دور از تشریفات اداری برگزار گردید؛ درخواست‌ها و مشکلات ۹۰نفر از کیشوندان بررسی و برای پیگیری به مسئولان اجرایی ارجاع داده شد.

رحیم سرهنگی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در این برنامه، ضمن دیدار مستقیم با مردم و آگاهی از نیازهای آنان، درخصوص رفع مشکلات مطرح شده، دستورات و راهکارهای لازم را در چارچوب قوانین و مقررات به معاونین و مدیران حوزه‌های مربوطه صادر کرد.

گفتنی است، طرح‌های سرمایه‌گذاری، اشتغال، مسکن، درخواست مجوز فعالیت اقتصادی، بحث‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، تسهیلات بانکی و وضعیت معیشتی ازجمله موارد مطرح شده در جلسه ملاقات مردمی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، معاونان و مدیران این سازمان و مدیران عامل شرکت‌های تابعه بود.

شایان ذکر است، دیدارهای چهره به چهره مسئولان سازمان منطقه آزاد کیش سبب آشنایی بیشتر با نیازها و مطالبات مراجعان و تسریع در رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم شده است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش عنوان کرد:

بهره‌برداری از طرح‌های عمرانی و اقتصادی جزیره کیش با حضور مقامات کشوری

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش ضمن تاکید بر ارائه خدمات شایسته به عموم مردم جامعه؛ همه روزهای خدمت را روز دولت معرفی کرد که به طور حتم با بهره‌گیری از تجربیات به دست آمده در طول سال‌های گذشته می‌توانیم به نحو مطلوب، وظایف محوله خود را انجام دهیم.

رحیم سرهنگی، این ایام را فرصت مغتنی برای ارزیابی ارائه خدمات شایسته به عموم مردم جامعه عنوان کرد و اظهار داشت: همه روزهای خدمت، روز دولت است و باید در این مسیر ویژگی‌های دولتمردان شهید، رجایی و باهنر را سرلوحه کار خود قرار دهیم.

وی در رابطه با ارائه خدمات خالصانه به مردم بیان داشت: با پذیرش مسئولیت‌های محوله و الگوگیری از ویژگی‌های شهیدان رجایی و باهنر که نمادی از خدمت بی‌منت به مردم بودند، می‌توانیم در این مسیر خطیر گام‌های موثری برای جلب رضایتمندی حداکثری برداریم.

به گفته مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، در جزیره کیش به مناسبت هفته دولت چندین طرح عمرانی و اقتصادی آماده بهره‌برداری است و به واسطه همزمانی با اربعین حسینی این مراسم با وقفه برگزار خواهد شد.

سرهنگی در تکمیل سخنان خود اظهار کرد: امسال نیز همچون سال‌های گذشته شمار زیادی از ساکنان کیش راهی سفر اربعین هستند و به دلیل دعوت از مقامات کشوری برای حضور در مراسم بهره‌برداری از طرح‌ها؛ این رویداد اقتصادی بعد از اربعین حسینی برگزار خواهد شد.

وی در رابطه با رونمایی برنامه‌های فرهنگی، گردشگری و طرح‌هایی که منجر به رونق گردشگری در این منطقه می‌شود، بیان داشت: با تبیین راهکارهای عملی و تدوین نقشه‌راه می‌توانیم در این حوزه اقدامات تاثیرگذاری انجام دهیم.

سرهنگی، ضمن ارزیابی مثبت برگزاری نمایشگاه ایروان اکسپو اذعان نمود: با تعامل ایجاد شده میان فعالان حوزه گردشگری ارمنستان و شرایط موجود از نظر آب و هوایی این دو منطقه، به طور حتم زنجیره گردشگری با برنامه‌های مرتبط تعریف می‌شود.

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به این‌که ارمنستان دروازه ورودی به روسیه است، تاکید کرد: با حضور در نمایشگاه ارمنستان و بررسی ظرفیت‌های این کشور و فعالان اقتصادی روسیه در کشور ارمنستان؛ تعاملات خوبی صورت گرفته است.

به گفته رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش؛ در این نمایشگاه چندین تفاهم‌نامه همکاری در حوزه‌های مختلف به امضاء رسید و بسیاری از فعالان اقتصادی ارمنستان اعلام کردند در نمایشگاه «کیش اینوکس» که یکی از بزرگترین رویدادهای اقتصادی کشور است، شرکت خواهند نمود.

معاون ورزش و تفریحات سالم شرکت عمران، آب و خدمات کیش خبر داد:

جزیره کیش میزبان مسابقات دو و میدانی ناشنوایان قهرمانی آسیا

معاون ورزش و تفریحات سالم شرکت عمران، آب و خدمات سازمان منطقه آزاد کیش از میزبانی جزیره کیش برای مسابقات دو و میدانی ناشنوایان آسیا در آذرماه سال‌جاری خبر داد.

عزیزاله فرضی‌پور با اشاره به برگزاری مسابقات دو و میدانی قهرمانی آسیا از دوم تا دهم آذرماه به میزبانی جزیره کیش گفت: این دوره از مسابقات با حضور ۲۲کشور و تعداد ۴۰۰ورزشکار و مهمان خارجی برگزار می‌گردد.

معاون ورزش و تفریحات سالم شرکت عمران، آب و خدمات سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به آمادگی زیرساخت‌های استاندارد و لازم در جزیره کیش خاطرنشان کرد: با نوسازی پیست دو و میدانی مجموعه المپیک کیش و امکانات جانبی آن، از سطح بالای میزبانی برای برگزاری این رویداد در کیش برخوردار هستیم.

گفتنی است، جزیره کیش سابقه خوبی در میزبانی از مسابقات فوتبال قهرمانی آسیا و انتخابی المپیک ناشنوایان در سال۱۴۰۰ را در کارنامه ورزشی خود دارد.

واکاوی چگونگی توسعه اقتصادی مناطق آزاد و اثرگذاری آنها بر کلان اقتصاد کشور:

برون‌رفت از وابستگی اقتصاد ایران به نفت، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مناطـــق آزاد

گزارش:
فریبا شیخی

براساس ماده(۱) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۱شهریورماه سال۱۳۷۲، هدف از تشکیل مناطق آزاد تجاری-صنعتی: «تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی» می‌باشد.

مبتنی‌بر اهداف تاسیس مناطق آزاد، ایجاد این مناطق به منظور تسهیل در توسعه اقتصادی و بهبود بازار کسب و کار همواره موردتوجه بوده است. از این‌رو، تامین نیازهای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد به‌ویژه تامین زیرساخت‌های مالی، بسیار ضروری و حائز اهمیت می‌باشد. لذا در گام نخست با عنایت به شرایط کنونی اقتصادی حاکم بر کشور و همچنین تحمیل تحریم‌های غیرقانونی بین‌المللی، باید این مقوله مهم را که مناطق آزاد با توجه به قوانین و مقررات مربوط به آن و ساختار و تشکیلات فعلی آن چگونه می‌توانند در تاب‌آوری، توسعه و شکوفایی اقتصادی خود مناطق و همچنین حوزه تحت نفوذ آن که کل پهنای کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تاثیر کارآمد و موثری داشته باشند؛ مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار گیرد.

ضرورت بازمهندسی و بازنگری برخی قوانین مترتب بر مناطق آزاد

اصلاح و بازنگری برخی قوانین و بازمهندسی ساختار و تشکیلات فعلی مناطق آزاد به منظور کاهش اثرات تحریمی و افزایش تاب‌آوری مبتنی‌بر حمایت از تولید داخلی و صادرات با اولویت توجه ویژه به کشورهای همسایه بسیار ضروری و حائز اهمیت می‌باشد.

شرایط تحریمی باعث شده است، نقش مناطق آزاد در کاهش اثرات سوءتحریمی، برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران قانونگذاری و اجرایی کشور بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گیرد. از آن‌جایی که در شرایط دشوار تحریمی امکان مبادلات اقتصادی روزبه‌روز و کارآمد در سرزمین اصلی سخت‌تر و پیچیده‌تر شده است؛ تقویت ساختارها، خصوصا زیرساخت‌های ایجاد و توسعه نهادهای تخصصی مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای در مناطق آزاد باعث ایجاد سهولت در مراودات اقتصادی و مالی و به‌تبع آن کاهش میزان ریسک‌پذیری این مناطق نسبت به سرزمین اصلی خواهد شد.

امروزه، کشورهای متفاوتی اعم از توسعه یافته و درحال توسعه با توجه به ویژگی مناطق آزاد، برای دستیابی به اهدافی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌ها و مزیت‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی نموده‌اند. این مناطق با ایجاد مشوق‌ها و معافیت‌های متنوع سعی دارند که سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را جذب و آن را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار داده و سپس با صادرات این کالاها، کشور را از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت، نظیر ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و... برخوردار نمایند.

نقش موثر مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا مناطق آزاد توانسته‌اند آثار مثبتی در توسعه کشورهای درحال توسعه داشته باشند؟ در پاسخ باید تصریح کرد؛ مناطق آزاد به منزله ابزار توسعه اقتصادی و صنعتی در چنددهه اخیر مطرح شده‌اند. به کارگیری این ابزار در اکثر کشورها با موفقیت‌های چشمگیری همراه بوده و به عنوان حرکتی پیوسته در سطح ملی برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی سازمان داده شده‌اند.

مناطق آزاد با ایجاد مشوق‌ها و معافیت‌های متنوع و همچنین توسعه زیرساخت‌های مدرن و بهره‌گیری از فرصت‌های بی‌شمار موجود در بازارهای پولی، مالی و بانکداری سعی دارند تا توان علمی، تجربی، تخصصی و سرمایه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جذب و آنها را در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار دهند و سپس با صادرات این کالاها، کشور را از آثار و مزایای مثبت صادرات و تجارت، نظیر ایجاد اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی برخوردار نمایند.

طی دودهه گذشته به دلیل اعمال فشارها، محدودیت‌ها و خصوصا اعمال تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی، کشورمان به طور متناوب با تغییرات شدید قیمت ارز مواجه بوده؛ به طوری که طی یک‌سال گذشته این نوسانات و افزایش نرخ ارز بی‌سابقه بوده است. در چنین شرایطی، مدیریت هوشمندانه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مناطق آزاد می‌تواند ما را از شرایط بحرانی ناشی از این تلاطمات خارج کند.

قوانین و مقررات ویژه در مناطق آزاد می‌تواند فرصتی مناسب برای کمک به اقتصاد کلان کشور باشد. رکود اقتصادی و تنش‌هایی که در بازار ارز ایجاد می‌شود، با بهره‌گیری دقیق و هوشمندانه از ویژگی‌های بی‌بدیل مناطق آزاد می‌تواند براساس همین مقررات ویژه و خاص، به کل کشور یاری رساند. نوسانات لحظه‌ای قیمت ارز و همچنین یکسان‌سازی قوانین در مناطق آزاد با سرزمین اصلی، درد مشترک همه سرمایه‌گذاران، کسبه، تجار و بازرگانان فعال در مناطق آزاد می‌باشد.

فعالیت مناطق آزاد کشور نیز همانند سرزمین اصلی، به شدت تحت‌تاثیر نوسانات اقتصادی قرار گرفته است. با این حال، رفع موانع قانونی و افزایش اختیارات این مناطق نه تنها می‌تواند به کاهش اثرات سوء ناشی از بحران‌های اقتصادی در این مناطق منتهی شود؛ بلکه می‌تواند نقش مهم‌تری را در مدیریت بهینه منابع اقتصادی کشور در شرایط کنونی ایفا نمایند.

همچنین با توجه به ویژگی‌های مهمی که مناطق آزاد در قیمت تمام‌شده کالا دارند، این مناطق بستری مناسب به منظور عرضه تولیدات داخلی به بازارهای جهانی با رویکرد تولیدات باکیفیت داخلی هستند. به این معنا که بسیاری از تولیداتی که در مناطق آزاد انجام صورت می‌پذیرد، از دو ویژگی مهم بخشودگی‌های مالیاتی (معافیت ۲۰ساله مالیاتی که ممکن است با تصویب برنامه هفتم توسعه کشور، از بین برود) و همچنین تعرفه‌های گمرکی برای ورود مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات، بهره می‌برند. این عوامل، قیمت تولید و هزینه سرمایه ثابت را در مناطق آزاد کاهش می‌دهد و این مهم در قیمت تمام‌شده محصولات نهایی قطعا اثرگذار است. بنابراین، از این منظر فضای فعلی مناطق آزاد حتما باید موردتوجه جدی‌تری قرار گیرند.

موانع مناطق آزاد در جهت استفاده از مزیت‌ها و و ظرفیت‌ها

در راستای استفاده از مزیت‌ها و ظرفیت‌های مناطق آزاد؛ موانعی در این مناطق وجود دارد؛ وقت آن رسیده است که این مشکلات و موانع را به صورت جدی مورد مداقه‌نظر قرار دهیم.

با عنایت به برقراری تحریم‌ها و شرایط سخت اقتصادی فعلی و همچنین جایگاه ویژه مناطق آزاد در حوزه تولید و تحرک اقتصادی و کمک به کاهش هزینه مبادله و قیمت تمام‌شده کالا، این مناطق ظرفیت قانونی و پتانسیل بسیار بالایی دارند. ضروری است؛ عاجلانه و به صورت کاملا تخصصی و کارشناسی به این موضوعات پرداخته شود تا فرآیند تولید را در مناطق آزاد حمایت و تقویت نماییم.

به همین منظور، ضرورت دارد ضمن استفاده از تجربه و دستاوردهای بین‌المللی ازجمله تصویب، اصلاح و روزآمدسازی قوانین و مقررات مرتبط با حفظ رویکردهای ملی، جهانی بیندیشیم. بر همین اساس؛ ما نیز باید آزادی‌هایی را که لازمه پویایی اقتصاد بازار است، رعایت نماییم. طبیعتا وقتی این تغییرات را ایجاد نمی‌کنیم، جنس و کارکرد مناطق آزاد ما با جنس و کارکرد مناطق آزاد دنیا متفاوت خواهد شد و آن‌وقت دیگر نمی‌توانیم خود را با مناطق آزاد دیگری که به عنوان رقیب مطرح می‌باشند، مقایسه و مطرح نماییم؛ چراکه ما آن آزادی‌ها، اختیارات و انعطاف‌هایی که دیگر مناطق آزاد نسبت به سرزمین اصلی خود دارند، از مناطق آزاد خود سلب کرده و آنها را در سپهر رقابت‌های شدید اقتصادی بی‌بال و پر به رقابت با رقبای تا بُن‌دندان مجهزشان، فرستاده‌ایم. البته، تصحیح نگرش به مقوله اقتصاد کلان، توجه به واقعیات ساختاری و لحاظ شدن متغیرهای مربوط به حوزه اقتصاد سیاسی در این راستا، بی‌گمان نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای دارد.

حتی اگر فرض کنیم که به دلیل تشدید برخی فشارهای سیاسی بین‌المللی، سرمایه‌گذاران خارجی که طی سال‌های اخیر اشتیاق چندانی برای مشارکت در طرح‌های بزرگ صنعتی در مناطق آزاد کشور از خود نشان نداده‌اند یا به هر دلیل دیگر سلب انگیزه شده‌اند؛ باز هم می‌توان با همگرایی درونی برای ایجاد فرصت‌های شغلی بی‌شمار و افزایش تولید محصولات استراتژیک در این مناطق گام برداشت.

بنابراین، بدون فوت وقت و در تجلی اراده ملی برای پشت سر گذاشتن رکود آزاردهنده حاکم بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشور و بازگشت امید و اعتماد به قاطبه جامعه، با در نظر داشتن مزیت‌های موجود در مناطق آزاد، ارکان حاکمیت ازجمله دولت، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای حاکمیتی، باید زمینه بازپویایی این مناطق را فراهم سازند.

لازم است، دولت با ایفای نقش قانونی خود در تکمیل زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، خصوصا توسعه شبکه زیرساختی تامین، تجهیز و مدیریت منابع مالی و همچنین شناسایی، احصاء، مولدسازی و مدیریت اموال و دارایی‌های مناطق آزاد تسریع کنند. در این صورت، خواهیم دید که چگونه با اوج‌گیری فعالیت‌ها، ضمن ایجاد زمینه اشتغال پایدار برای خیل عظیمی از جویندگان کار، تقویت شبکه و خوشه‌های صنعتی خرد و کلان، تزریق سرمایه‌های راکد و یا سرگردان در بخش‌های مولد از طریق مشوق‌ها و همچنین فرهنگ‌سازی برای مشارکت عمومی در بالندگی اقتصادی، با صادرات محصولات تولید شده؛ ارز موردنیاز برای گردش مالی در شبکه بین‌المللی نیز تامین خواهد شد.

تحقق اقتصاد پایدار بدون اتکا به نفت با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد

وضعیت موجود رکود در کشور می‌تواند آثار و پیامدهای بسیار مخرب در بخش‌های مختلف ایجاد کند. بنابراین، استفاده از ظرفیت‌های مناطق آزاد که تا حدود زیادی واجد معیارها و زیرساخت‌های موردنیاز هستند، از مهم‌ترین اولویت‌ها برای برون‌رفت از هزارتوی تحریم‌ها محسوب می‌شود. بدون تردید، در این مسیر نیز چالش‌هایی وجود دارد که با استقامت، برنامه‌ریزی دقیق و عالمانه، باور و یقین قلبی و قطعی به ظرفیت‌های موجود در داخل کشور، تعامل و به‌کارگیری غیرجانبدارانه نقطه‌نظرات همه دلسوزان، خبرگان، کارشناسان و متخصصان حوزه‌های پولی، مالی و اقتصادی و توجه خاص به منافع و مصالح ملی؛ کنار زدن آنها از مسیر پیشرفت و تعالی اقتصادی چندان دشوار و دور از ذهن نخواهد بود.

اقتصاد ایران با وجود در اختیار داشتن بیش از ۹درصد ذخایر نفتی و ۱۸درصد از ذخایر گازی جهان و همچنین برخورداری از منابع سرشار معدنی؛ به اقتصادی وابسته به ذخایر نفتی و معدنی تبدیل شده است که نه تنها قابل انتقاد است، بلکه پاشنه آشیل اقتصاد ایران به‌حساب می‌آید. درست به همین دلیل، اهمیت اتخاذ و تحقق هرچه سریع‌تر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی موردتاکید مقام معظم رهبری در تحقق اقتصاد پایدار بدون اتکا به نفت بیش‌ازپیش هویدا می‌شود.

با عنایت به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته و خصوصا سیاست‌های کلی اصل۴۴ قانون اساسی ابلاغ شده است و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور را ترسیم نموده است؛ نقش کلیدی مناطق آزاد در تحقق بخش اعظم ابلاغیه معظم‌له قابل تامل است.

مناطق آزاد ایران با بهره‌گیری از قوانین به‌روز و الگوگیری از فرآیندها و تجارب تجارت آزاد در سایر مناطق آزاد کشورهای توسعه‌یافته، زمینه‌های بسیار مناسبی برای جذب سرمایه‌های سرگردان داخلی و حتی کشورهای مواجه با رکود اقتصادی را در سراسر دنیا دارا می‌باشند. امید است، با در نظر گرفتن فرمایشات مقام معظم رهبری که حل مشکلات اقتصادی را در درجه اول در گروی اعتقاد قلبی مسئولان به حل مشکلات کشور با الگوپذیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی بیان فرمودند؛ عمیقا باور کنیم که مشکلات اقتصادی کشور با تکیه بر ظرفیت‌های فراوان داخل کشور قابل حل است و نسخه‌های غربی نه در زمینه اقتصاد و نه در عرصه‌های دیگر، نظیر جمعیت، حلال مسائل و دشواری‌های کشور نیستند.

تحریم‌های بین‌المللی، آموزه بسیار مهمی برای اقتصاد سیاسی ایران داشته است؛ ایران ناگزیر از بومی‌سازی بنیان‌های اقتصاد خویش شده است. هرچند رفع تحریم‌ها می‌تواند به گشایش‌های اقتصادی در اقتصاد ایران اسلامی منجر گردد؛ اما بدون بومی‌سازی امنیت اقتصادی، اقتصاد ایران هیچ‌گاه از صفت «باثبات» برخوردار نخواهد شد.

تجربه فعالیت موفق سازمان‌های مناطق آزاد در سایر کشورها نشان می‌دهد این سازمان‌ها نظر به چابکی و رهایی از برخی موانع مالیاتی و تعرفه‌ای سرزمین اصلی، توانسته‌اند دریچه موفقی به سوی بازارهای آزاد گشوده و ثبات اقتصادی قابل‌توجهی به‌دست آورند. این مهم، به‌ویژه برای کشور ایران که تاکنون موفق به عضویت در سازمان جهانی تجارت نشده است، حکم همان دریچه‌ای را خواهد داشت که با بسته بودن درها و پنجره‌های رسمی ورود به اقتصاد آزاد جهانی، امکان بازیگری در اقتصاد جهانی را فراهم خواهد نمود. در بلندمدت این بازیگری متضمن ثبات اقتصادی ایران خواهد شد.

بند۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقشه‌راه مناطق آزاد

برون‌رفت از وابستگی اقتصاد ایران به نفت و افزایش تولید ملی و صادرات غیرنفتی و اتکا به درآمدهای پایدار و در نتیجه، فائق آمدن بر بحران‌های مالی، اقتصادی و سیاسی و تحقق اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو؛ هدف اصلی سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد و کسب موفقیت است.

با نگاه کلی به این سیاست‌ها و لمس و درک وضعیت نامناسب اقتصاد کشور که ریشه در سابقه طولانی وابستگی اقتصاد ملی به نفت دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که مناطق آزاد کلید طلایی توسعه اقتصادی ایران بدون نفت هستند. توسعه کارآفرینی، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم، گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های موردنیاز، تشویق سرمایه‌گذاری برای صادرات، شکل‌دهی بازارهای جدید، تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با سایر کشورها، به ویژه کشورهای منطقه برای حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها، ازجمله ثمرات کارکرد موفق مناطق آزاد خواهد بود.

دراین‌راستا، تاکیدبندیازدهم‌سیاست‌های کلی‌اقتصادمقاومتی مبنی‌بر «توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظورانتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش‌وتسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و تجهیز و تامین منابع مالی از بازار سرمایه کشور»؛ اهمیت بهره‌گیری و تقویت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه مستقر در مناطق آزاد را آشکار می‌سازد.

برای این منظور، اصلاح ساختار سازمانی و مالی این شرکت‌ها و تبدیل آنها به شرکت‌های تخصصی سهامی عام تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار کشور ضروری است. این مهم به تعامل موثرتر و حرفه‌ای‌تر شرکت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه مناطق آزاد کشور با همه نهادهای حاضر در بازارهای پولی، مالی و بانکداری کشور، اتاق‌های بازرگانی و بخش خصوصی کمک شایانی کرده و با توجه به وجود نقدینگی کلان در کشور می‌تواند به هدایت جریان نقدینگی به مناطق آزاد و سپس استفاده از این منابع به منظور تقویت زیرساخت‌های صنایع تولیدی در مناطق آزاد و خارج آن منتهی شود.

راهکار پیشنهادی به منظور تحقق این مهم؛ به‌کارگیری و استفاده از توان متخصصان، صاحب‌نظران و مشاوران متعهد، مجرب و متخصص در حوزه‌های حقوقی (داخلی و بین‌المللی)، تامین مالی و بازار سرمایه به عنوان بازوی فکری، عملی، اجرایی و نیز رابط بین نهادهای مالی در بازار سرمایه و مناطق آزاد است.

جذب سرمایه از طریق گردشگران در مناطق آزاد

مقوله صنعت گردشگری یکی دیگر از مزیت‌های فوق‌العاده مناطق آزاد می‌باشد که خوشبختانه در سالیان اخیر در رأس اولویت‌های برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی کشور جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ ضمن آن‌که شاهد اقدامات بسیار ارزشمندی در سالیان اخیر که بیشترین سهم آن در مناطق آزاد توسط بخش خصوصی صورت گرفته است، بوده‌ایم.

صنعت گردشگری و ظرفیت‌های نهفته در آن می‌تواند، نقشی اساسی در پیشرانی توسعه همه‌جانبه مناطق آزاد و به‌تبع آن سرزمین اصلی ایفا نماید. براساس تقسیم‌بندی سازمان جهانی جهان‌گردی ملل متحد، فعالیت‌های گردشگری به دسته‌های: فرهنگی، طبیعی، تجاری، مذهبی و ورزشی تقسیم می‌شوند.

مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران به دلیل تنوع استقرار در نقاط مختلف کشور و همچنین برخوردار بودن از جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، تجاری و اقتصادی و... با رویکرد توسعه کلان چندجانبه می‌توانند نقش بسزایی در این حوزه مبتنی‌بر ایجاد فضای امن به لحاظ اجتماعی و اقتصادی برای گردشگران داخلی و خارجی ایجاد نمایند و ماحصل آن قطعا تغییر نگرش گردشگران داخلی و خارجی و جذب و هدایت سرمایه به این مناطق به منظور خنثی نمودن اثرات و تبلیغات سوء علیه ایران خواهد بود.

سخن پایانی

امروزه اقتصاد ایران به دنبال همان نسخه‌ای است که در سال۱۳۷۲ با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران، پیچیده شده است. تسریع در تحقق اهداف تاسیس این مناطق، نه تنها می‌تواند در کوتاه‌مدت به کاهش اثرات سوءتحریمی منجر شود، بلکه در بلندمدت می‌تواند به توسعه همه‌جانبه اقتصاد کشور منتهی شود. این مهم زمانی قابل تحقق است که رفع تمامی موانع قانونی، ساختاری و اجرایی سازمان‌های مناطق آزاد مورد اهتمام همه نهادهای حاکمیتی قرار گیرد. در این صورت، مناطق آزاد خواهند توانست در برهه حساس کنونی که بی‌شباهت به جنگی تمام عیار علیه ملت شریف ایران نیست؛ نقشی تاریخی ایفا نمایند. به دیگر سخن؛ در این جنگ اقتصادی غیرقانونی و ظالمانه همه‌جانبه علیه ملت و کشور ایران، مناطق آزاد به عنوان سربازان خط مقدم می‌توانند پشتیبانی‌های لازم را برای سایر ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ایفا نمایند.

یادداشت

حذف موانع قانونی جهت تحقق ماموریت‌ها در مناطق آزاد

یادداشت:
عباس کاکاوند
کارشناس مسائل اقتصادی

مناطق آزاد در ایران سابقه سه‌دهه‌ای دارند، در ارتباط نوع ماموریت‌ها و اهدافی که مناطق آزاد داشتند و با وجود آمار و ارقام موجود، نمی‌شود گفت که در این مناطق توسعه عمیقی نسبت به مناطق آزاد دنیا شاهد بودیم. مشکل اصلی نیز این بوده که زیرساخت‌های مناطق آزاد باید از محل درآمدهای خود مناطق تامین می‌شد و پس از آن توسعه اتفاق می‌افتد. در کشورهای دیگر این روند حاکم نبوده؛ یعنی ابتدا مناطق آزاد را تاسیس کردند، معافیت‌های مالیاتی و شرایط لازم برای سرمایه‌گذاری را در نظر گرفتند، آن‌وقت مناطق آزاد شروع به‌کار کردند؛ این درحالی است که در مناطق آزاد ایران به دلیل نگاهی که وجود داشته، نگرش‌ها بیشتر بر مبنای توسعه صادرات شکل گرفتند؛ اما واقعیت آن است کالاهایی که در مناطق آزاد تولید می‌شد، توان رقابت با کالای مشابه خارجی را نداشته و این مناطق بیشتر به دروازه‌های ورود تجارت خارجی تبدیل شدند و متاسفانه ما در مناطق آزاد نقش واردکننده را ایفا کردیم.

مناطق آزاد قطعا در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی می‌توانند موثر باشند، اما به شرط آنکه به ماموریت‌هایی که در قانون برایشان پیش‌بینی شده، برگردند؛ ماموریت‌هایی که تاکید می‌کند مناطق آزاد باید سکوی صادرات باشد و صادرات مجدد نیز از این مناطق می‌بایست صورت گیرد. در قوانین آمده که به سبب معافیت‌های مالیاتی، مناطق آزاد می‌توانند شرایط ورود کالاها برایشان سهل‌تر باشد؛ در این مناطق شرایط ویژه‌ای را بایستی برای سرمایه‌گذارها فراهم کرد، ضمن اینکه این شرایط باید مقداری از نگاه دولتی خارج شود، یعنی نگاه اقتصادی و با فرمول‌های امروز دنیا باید بتوانند پررنگ‌تر عمل کنند.

آماری که این روزها در رابطه با افزایش چندین برابری صادرات و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد داده می‌شود، قابل تایید نیست؛ شاید یکی از دلایلش این است که ارزش کالا کمتر ولی گران شدن دلار به نفع مناطق آزاد بوده؛ اما در عین حال شاهد رونق موفقیت‌آمیز در گردشگری و تولیدات هم نبودیم؛ شاید زمان‌هایی هم بوده که به هر حال به دلیل دوره خاصی آقایان موفق بودند؛ اما به نظر نمی‌آید خیلی دستاورد قابل‌توجهی به طور کلی در مناطق آزاد وجود داشته باشد.

مناطق آزاد به هر صورت مزیت‌هایی هم دارند، مثلا منطقه آزاد چابهار که جزء فرصت‌هایی بوده که تحت فشار تحریم قرار نگرفت و ما می‌توانستیم از این ظرفیت خیلی خوب استفاده کنیم. به هرحال باید از ظرفیت چابهار استفاده می‌شد و تلاش‌هایی صورت می‌گرفت؛ منتها این فرصت به کمبودهایی در داخل کشور که بر اثر تحریم‌ها به‌وجود آمد، برخورد کرد. نوع کالاهایی که می‌توانستیم صادر کنیم، محدود شدند؛ ضمن اینکه خارجی‌هایی که می‌خواستند به ما جنس بفروشند که از طریق مناطق آزاد ما وارد شود، اجازه ندادند به موقعیت خاصی که می‌خواهیم برسیم.

بی‌تردید مناطق آزاد می‌تواند با استفاده از قانون موجود فعلی و مدیران حرفه‌ای، در توسعه کشور موثر باشند؛ مسئله این است که ما مناطق آزاد را نیاوردیم که اشخاص و گروه‌های خاصی که تجربه‌ای در نوآوری و خلاقیت ندارند، در مسند آنجا قرار گیرند. مناطق آزاد باید در پرورش کالا، ارزآوری، توسعه صادرات و ورود تکنولوری‌های نوین موثر باشد. همه اینها دستاوردهایی است که در قانون پیش‌بینی شده، اما اینکه محقق شود یا نه، نیاز به بررسی کارشناسی بیشتر دارد.

طبق گفته کارشناسان و فعالین اقتصادی مناطق آزاد؛ اگر دولت کاری به این مناطق نداشته باشد، مدیریت راحت‌تر صورت می‌گیرد و تناقضات میان وزارتخانه و مناطق آزاد درخصوص موانع صادرات هم پیش نمی‌آید.

در سال‌های گذشته، بیشتر تصمیم‌گیری‌ها درخصوص مناطق آزاد در دبیرخانه شورایعالی صورت می‌گرفت، اما متاسفانه درحال حاضر این حالت وجود ندارد و تصمیم‌سازی‌ها در وزارت اقتصاد انجام می‌گیرد و این موضوع به پیشرفت و پیشبرد اهداف اصلی مناطق آزاد که در بند۱۱ اقتصاد مقاومتی نیز تاکید شده، ضربه شدیدی می‌زند. اگر اجماع و حاکمیت ملی ایران برای تحقق شعار سال «مهار تورم، رشد تولید» صورت گیرد، شاهد اختلافات در بحث صادرات نخواهیم بود و می‌توانیم رشد اقتصادی را توسعه دهیم. به هر حال گمرک هم یکی از دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت است، همچون سازمان امور مالیاتی. در عین حال یک اجماع ملی در رابطه با مناطق آزاد میان دستگاه‌ها باید صورت پذیرد؛ حاکمیت باید تکلیف خود را با مناطق آزاد مشخص کند؛ چراکه وزارتخانه‌ها تابع این حاکمیت هستند و گهگاه سختگیری‌هایی در ثبت سفارش‌ها، گمرک و موضوعات مالیاتی از جانب آنها صورت می‌گیرد.

در گذشته بحث می‌شد که مناطق آزاد محل ورود قاچاق کالا به کشور است، ولی آنقدری که از بازارچه‌های مرزی و مرزهای غیررسمی کالا وارد می‌شود که ورود کالا از مناطق آزاد اصلا چیزی حساب نمی‌شود. همین‌ها بیایند این رویه را از طریق مناطق آزاد قانونمند کنند و شرایط را برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر فراهم نمایند؛ اینگونه حداقل می‌دانیم ورودیه این رویه چیست؛ در مناطق آزاد حداقل ورود و خروجش گمرک دارد و این موضوع در حقیقت مشخص می‌کند که چه اتفاقی می‌افتد. اما با تمام این اوصاف نیاز به اجماع ملی داریم تا مناطق آزاد کشور رشد کنند، وگرنه مناطق آزاد صرفا تبدیل به مناطق آباد می‌شوند و توسعه محلی صرفا هدف اصلی مناطق قرار می‌گیرد، این درحالی است که قانونگذار اهداف دیگری را برای این مناطق لحاظ کرده است. باید قبول کنیم فرضیه مناطق آزاد با مناطق آباد متفاوت است و هر جایی می‌تواند منطقه آباد باشد؛ ولی منطقه آزاد در آن حاکم نباشد.

قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در زمانی که نوشته شده، یک قانون کاملا مترقی بود؛ اگر همان قانون خوب اجرا می‌شود، دچار چنین مشکلاتی نمی‌شدیم. اما اکنون این قانون نیاز به بازنگری دارد تا موانعی که قبلا و ترمزهایی که باعث شده مناطق ما رشد نداشته باشند، برداشته شود.

در این راستا مجلس شورای اسلامی می‌تواند کمک کننده باشد و با بازنگری در قانون و بالا بردن ظرفیت‌ها جهت مراوده با جهان، این قانون می‌تواند خیلی مسائل را تغییر دهد. به فرض برخی معافیت‌ها، میزان ورود کالا، میزان صدور کالا و مراوده با کشورهای جهان قابل تغییر است، این قوانین می‌تواند به کشورهای همجوار تسهیلاتی بدهد و تنوع کالاهایی که برای صادرات می‌تواند صورت بگیرد. همچنین قوانین ورود خارجی‌ها و سرمایه‌گذار می‌تواند اصلاح شود تا به طور کلی شاهد ارتقاء عملکرد مناطق آزاد در کشور باشیم.

گزارش:
علی جعفری
مرضیه حسینی

در گفت‌وگو با تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی مناطق آزاد کشور بررسی شد:

ارتفاع پَست توسعه، حقیقتی روشن از توهم صعود قدرتمند مناطق آزاد

در اوایل دهه۷۰ هجری شمسی، دولت توسعه‌گرای سازندگی تلاش می‌کرد اقتصاد تجارت‌محور ایران را با اقتصاد تولیدمحور جهانی از طریق ایجاد اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال پیوند دهد؛ در این میان سنگ بنای مناطق آزاد تجاری-صنعتی که در صحنه جهانی توانسته بودند الگوهای توسعه برونگرا را عینیت ببخشند، در کشورمان گذاشته شد و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران تدوین، تصویب و ابلاغ گردید.

از سال۱۳۷۲، مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران با وجود عدم اجرایی شدن قانون آنها به صورت کامل، حداقل توانسته بودند تا اواخر قرن۱۴ شمسی، اعتماد نسبی فعالین اقتصادی و سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را به هویت و کارکرد خود جلب نمایند. این امر باعث ایجاد توسعه در زیرساخت‌های عمران منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری مناطق آزاد و جذب سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجه در این مناطق شد. اما متاسفانه در سال‌های اخیر، مناطق آزاد کشور در مسیر تخریب و افول قرار گرفتند.

با ورود به قرن۱۵ شمسی و روی کار آمدن دولت سیزدهم، به دلیل نبود اعتقاد در بدنه برنامه‌ریزی و مدیریت این دولت به کارکرد و هویت مناطق آزاد، تخریب محیط قانونی و راهبری این مناطق به صورت غیرعلنی در دستورکار قرار گرفته است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت سیزدهم که خود از بانیان درج ماده۲۳ در قانون برنامه ششم توسعه کشور بود، نه‌تنها از ابتدای جلوس بر صندلی وزارت، برای اجرایی کردن ماده۲۳ برنامه‌ریزی مستمری نمود تا از این طریق جایگاه مدیریت عالی و فرابخشی دبیرخانه و مناطق آزاد را متزلزل کند؛ بلکه همچنین با همکاری برخی از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی، مزیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را از مسیر قانون حذف نمود. فی‌المثل معافیت پرداخت مالیات ارزش افزوده برای فعالین اقتصادی مناطق آزاد، به‌عنوان یک مشوق ویژه در جذب سرمایه‌گذاری، با همکاری دولت و مجلس لغو گردید؛ همچنین معافیت کارکنان سازمان‌های مناطق آزاد از پرداخت مالیات مستقیم حذف شد.

این اتفاقات هدفمند و مخرب امروز مناطق آزاد را در وضعیت بحرانی قرار داده است. با وجود ادعاهای فراوانی که درخصوص جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید به مناطق آزاد مطرح شده و می‌شود، اما عملا با خروج گسترده سرمایه‌گذاران از این مناطق مواجه هستیم.

همچنین طی ماه‌های اخیر، دو اتفاق تلخ و عجیب در رابطه با مناطق آزاد افتاده است. یکی مربوط به پیش‌نویس لایحه قانون برنامه هفتم توسعه کشور است که در آن برخلاف همه درخواست‌ها و تقاضاهایی که از سوی جامعه مناطق آزاد مطرح شده بود، یکی دیگر از مزیت‌های قانونی و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد یعنی معافیت ۲۰ساله مالیاتی در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های جدید از بین خواهد رفت. این موضوع یعنی در آینده، مناطق آزاد هیچ مزیت قانونی قابل‌توجهی نسبت به سرزمین اصلی ندارند و به نوعی سرمایه‌گذاری در شهرک‌های صنعتی در سرزمین اصلی، بسیار بهتر از مناطق آزاد بوده و این مناطق به‌راحتی می‌توانند تعطیل شوند. در تمام دنیا، معافیت‌های مالیاتی جزو ثابت امتیازات قانونی ارائه شده به فعال اقتصادی در مناطق آزاد است و معمولا به دلیل حفظ موقعیت در جریان رقابت شدید موجود برای جذب سرمایه‌گذار، تاکید بر ثبات امتیازات قانونی و حتی تقویت آن در کنار تکمیل حداکثری زیرساخت‌ها، موردتوجه مناطق آزاد پیشرو می‌باشد. معالاسف در ایران مناطق آزاد ایران نه تنها در تکمیل زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری دچار محدودیت‌های مالی هستند؛ بلکه در حفظ قانون خود نیز ناتوان می‌باشند. حال چگونه مسئولین مناطق آزاد صحبت از افزایش جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌کنند؟!

موضوع دیگر که باعث ایجاد نگرانی در مورد آینده مناطق آزاد می‌شود؛ ازدیاد قارچ‌گونه آنها در پهنه ایران اسلامی است. متاسفانه تجربه مدیریت نسل اول و دوم مناطق آزاد در ایران باعث نشده است که برنامه‌ریزان اقتصادی کشور درخصوص توسعه کیفی آنها به‌جای توسعه کمی، فکری کنند؛ چراکه مناطق آزاد نسل اول و دوم طی سه‌دهه گذشته به روشی مدیریت شدند که نتوانسته‌اند اهداف کلان خود را محقق نمایند. این درحالی است که ظرفیت‌های منحصربه‌فرد موجود در مناطق آزاد به‌گونه‌ای می‌باشد که در صورت مهیا بودن شرایط و مدیریت صحیح، می‌توانستند حتی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی، شکوفایی اقتصادی را در مناطق مرزی و محروم در قالب یک پیوند مثبت با محیط خارجی رقم بزنند؛ اما امروز این انتظار به‌جا و درست از مناطق آزاد فراهم نیست و دلیل عمده آن، اجرا نشدن قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، برنامه‌ریزی‌های غلط و مدیریت ضعیف است.

حال با تجربه‌ای که در رابطه با مناطق آزاد نسل اول و دوم وجود داشت؛ نباید اجازه داده می‌شد بند۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ذیل مفهوم «توسعه حوزه عمل» مصادره به مطلوب شده و از این مفهوم درست و کیفی، برداشتی غلط و کمی شود. در ۲سال گذشته، در کنار مدیریت بی‌ثبات موجود در عرصه مناطق آزاد، شاهد ایجاد حدود ۱۰منطقه آزاد جدید هستیم! این مناطق آزاد جدید با همه ادعاهای بزرگی که عنوان شده است، با استمرار شرایط فعلی، مشخص نبودن منابع مالی جهت ایجاد زیرساخت‌های عمرانی و امتیازات قانونی سلب شده، تبدیل به مناطقی بلاتکلیف و سرگردان خواهند شد.

حال با ملاحظات اساسی عنوان شده، می‌توان گفت آینده مناطق آزاد، آینده‌ای به شدت تاریک است. در این وانفسای جاری، مدیریت کلان مناطق آزاد هم در دست جریانی است که شعارهای‌شان شعور مردم، رسانه‌ها و فعالین اقتصادی مناطق آزاد را به بازی گرفته است.

این جریان در مدار مدیریت شعارمحور خود، بازی با عدد و ارقام را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند و به‌جای پرداختن به موضوعات کلان و مشکلات اساسی، به شاخ و برگ می‌افزایند. حرف‌درمانی و اطاله مشکلات به آینده نامعلوم، جزئی مهم از استراتژی مدیریت آنها است. درحالی که قانون مناطق آزاد یا اجرا نمی‌شود یا لغو شده، در طول چندماه، چندین نمایشگاه عرضه بسته‌های سرمایه‌گذاری در سطوح مختلف برگزار گردیده است. در این نمایشگاه‌ها محوریت فعالیت‌ها، ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری است. اما معلوم نیست این بسته‌های سرمایه‌گذاری براساس کدام زیرساخت‌های موجود در مناطق آزاد تدوین شده است؟! این امر خصوصا در مناطق آزاد جدید بیشتر نمود دارد؛ چراکه آنها نه‌تنها زیرساخت ندارند؛ بلکه راهبرد توسعه‌شان نیز معین نیست. بنابراین این نمایشگاه‌هایی که تبدیل به برنامه اساسی مناطق آزاد در یک‌سال گذشته شده است؛ بر طبق چه منطقی پیگیری می‌گردد؟! مگر این‌که آن را یک بازی رسانه‌ای بیشتر ندانیم؛ بازی که در آن مسئولین فقط قرار است تعداد بسته‌های سرمایه‌گذاری را افزایش دهند؛ نه میزان واقعی سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و صادرات.

مسئله دیگر که طی یک‌سال اخیر در حوزه مناطق آزاد به صورت مفرط مطرح شده است، مناطق آزاد مشترک است؛ مبحثی که دارای هیچ مصداق عینی در دنیا و اقتصاد جهانی نبوده و این مفهوم به شدت مبهم، در اثر فهم ناصحیح از متن توافق‌نامه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا رواج یافته است. درواقع توافق‌نامه ایجاد منطقه آزاد تجاری مشترک که در حقیقت یک رژیم تجارت ترجیحی منطقه‌ای را مدنظر دارد، عاملی شده است که برخی از عنوان پرطمطراق آن، در جهت طرح یک بحث غامض و غیرعملیاتی استفاده کنند. امروز در هیچ کجای جهان، منطقه آزاد مشترک به مفهومی که آقایان قصد ایجاد آن را دارند، نمی‌توانیم نام ببریم. منطقه اقتصادی مشترک وجود دارد، اما منطقه آزاد مشترک وجود ندارد!!! این جریان هم باعث می‌شود بیشتر به شعاری بودن نوع مدیریت مناطق آزاد در شرایط کنونی پی ببریم.

در ادامه این گزارش، صحبت‌ها و نظرات تنی چند از تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی مناطق آزاد را در ارتباط با وضعیت جاری تقدیم مخاطبین عزیز می‌نماییم.

مسعود دریس، فعال اقتصادی در منطقه آزاد اروند: حذف معافیت ۲۰ساله مالیاتی، آخرین تیر بر پیکره نحیف مناطق آزاد ایران

مسعود دریس فعال اقتصادی در منطقه آزاد اروند در گفت‌وگو با نشریه، از معضلات و مشکلات مناطق آزاد و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در این مناطق گفت؛ مشکلاتی که مهم‌ترین آن عدم اجرای قوانین و سنگ‌اندازی‌هایی است که توسط دستگاه‌های اجرایی سرزمین اصلی صورت می‌گیرد.

دریس درخصوص مشکلات مناطق آزاد اظهار کرد: متاسفانه یکی از معضلات و مشکلاتی که به مناطق آزاد مرتبط است، به رسمیت نشناختن این مناطق توسط دستگاه‌های حاکمیتی در سرزمین اصلی به عنوان یک پروژه ملی است. به‌واقع یکی از مترقی‌ترین قوانینی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط مجلس شورای اسلامی تقنین شده و در سال۱۳۷۲ ابلاغ و به مرحله اجرا درآمد، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران است؛ اما متاسفانه تمام دستگاه‌های اجرایی سعی و تلاش‌شان این بوده که با سنگ‌اندازی‌ها و مشکلاتی که به‌وجود آوردند، قوانین سرزمین اصلی را به مناطق آزاد تسری دهند، درحالی که این مناطق دارای قوانین خاص می‌باشند.

وی ادامه داد: کسانی که سرمایه زندگی و عمر خودشان را نزدیک به سه‌دهه در مناطق آزاد صرف کردند و در نهایت با پذیرش قانون مناطق آزاد اقدام به فعالیت نمودند؛ اما در واقعیت امروز به گفته اکثر کارشناسان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کمتر از ۳۰درصد این قوانین به اجرا درآمده و یکی از چالش‌های جدی که گریبان‌گیر مناطق آزاد شده، همین عدم اجرای قوانینی است و در صورت اجرایی شدن ظرفیت‌های این قانون، قطعا قانونگذار به اهدافی که برای این مناطق ترسیم کرده، می‌توان دست یافت.

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد اروند اظهار داشت: یکی از مشکلاتی که در سال‌های اخیر و به کرات با آن مواجه بوده‌ایم، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که توسط دولت صادر می‌شود و اینها نه‌تنها مغایر با قوانین مناطق آزاد است؛ بلکه خود بخشنامه‌ها متناقض با هم صادر و ابلاغ می‌گردد؛ بخشنامه‌هایی که عموما مباحث سرزمینی را به مناطق آزاد تسری می‌دهند. بنابراین بزرگترین مشکلات فعالین اقتصادی مناطق آزاد به عدم اجرای قوانین و دوم به بخشنامه‌هایی برمی‌گردد که عموما توسط دولت صادر می‌شود و مغایر با قوانین مناطق آزاد است.

دریس تصریح کرد: در نتیجه یکی از مشکلات ما نقض قانون می‌باشد؛ قانونی که علاوه‌بر عدم اجرا، بخش عمده‌ای از مزیت‌های آن همچون معافیت مالیات بر ارزش افزوده نیز ملغی گردیده و دوم، برنتابیدن دستگاه‌های حاکمیتی سرزمین اصلی درخصوص مناطق آزاد است. متاسفانه کاری کرده‌اند که دیگر مناطق آزاد به عنوان یک پروژه ملی دیده نمی‌شوند و وجهه بین‌المللی در دنیا ندارند که اگر چنین نبود، در شرایط تحریمی و بحران اقتصادی که کشور قرار دارد، با توجه به ظرفیت‌های کنوانسیون‌های بین‌المللی، مناطق آزاد می‌توانستند در تلطیف کردن شرایط و بهبود وضعیت اقتصادی کمک شایان توجهی به اقتصاد ملی کنند؛ اما متاسفانه در این زمینه هم نتوانستیم توفیقی داشته باشیم.

وی درخصوص عوامل عدم اجرای قانون مناطق آزاد در حوزه‌های حمایت از جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی گفت: وقتی قوانین به درستی اجرا نمی‌شود، در هیچ حوزه‌ای نمی‌توان خیلی توفیق داشت؛ هرچند دستگاه‌هایی که در داخل کشور هستند در قیاس با مناطق آزاد تمامی ظرفیت‌ها در اختیارشان بوده و از ردیف بودجه دولتی هم استفاده کردند، اما متاسفانه نتوانستند به اهدافشان دست یابند؛ ولی مناطق آزاد بدون استفاده از بودجه دولتی و با بخشی از سرمایه‌گذاری‌هایی که در منطقه جذب کردند، با همان اجرایی شدن صرفا ۳۰درصد قانون، توفیق خیلی خوبی داشتند و شاید نمره قبولی هم بگیرند.

این فعال اقتصادی ادامه داد: سرمایه‌گذار سعی می‌کند با مطالعه وارد مناطق آزاد شود و در بخشی سرمایه‌گذاری کند که برایش منفعت دارد. شاهد هستیم که سرمایه‌گذاران متعددی در طی سالیان گذشته به مناطق آزاد سفر کردند و کاملا برای سرمایه‌گذاری ترغیب شدند؛ چراکه سرمایه‌گذاران خارجی ابتدا مشاورین‌شان را راهی مناطق می‌کنند تا مطالعه و بررسی صورت دهند. مشاورین سرمایه‌گذاران خارجی با مطالعه قانون چگونگی اداره مناطق آزاد به این نتیجه رسیدند که در این مناطق می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؛ ولی وقتی در منطقه حضور یافتند، در اجرا متوجه شدند که این اتفاق نمی‌افتد و متاسفانه آن ظرفیت‌هایی که در قانون وجود دارد، برای سرمایه‌گذار قابل اجرا نیست؛ لذا عطایش را به لقایش بخشیدند و از سرمایه‌گذاری پشیمان شدند و به کشورشان بازگشتند. حضور سرمایه‌گذار خارجی اگر تا به امروز تحقق پیدا نکرده، علتش همان عدم اجرای قانون مناطق آزاد بوده که متاسفانه تا همین لحظه هم درحال تکرار است.

دریس ادامه داد: یکی از نقاطی که این ظرفیت و پتانسیل در آن وجود دارد که با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، ماشین‌آلات و مواد اولیه با صفر درصد ترخیص گردد، مناطق آزاد است. ما می‌توانیم برای اینکه صنعت کشور را بومی‌سازی نماییم، مناطق آزاد را پایلوت قرار دهیم؛ بدین معنا که برای به‌روز کردن صنعت کشور نیاز داریم تکنولوژی و فناوری و خطوط مونتاژ را جذب کشور کنیم تا دستاورد بسیار بزرگتر از جنبه اقتصادی را برایمان به همراه داشته باشد. اگر از روز اول این هدفگذاری را به خوبی انجام می‌دادیم و صنایع مونتاژ را در مناطق آزاد جذب می‌کردیم و کمپانی‌های بزرگ را درگیر تولید و صنعت می‌نمودیم، هم صنعت خودمان را به‌روز کرده بودیم، هم اشتغال ایجاد می‌کردیم و البته هم کشور ایران را به راحتی نمی‌توانستند تحریم کنند؛ چراکه کمپانی‌های خودشان آسیب می‌دید. لذا این یکی از موضوعاتی است که می‌توانستیم از آن استفاده کنیم.

وی تاکید کرد: یکی از اقدامات راهبردی که می‌توان در مناطق آزاد انجام داد و ماده(یک) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد هم اشاره صریح به این موضوع دارد، بحث پردازش کالاست تا بتوانیم در حوزه صنعت و تولید پیشرفت داشته و به‌تبع آن توسعه صادرات را از مناطق آزاد داشته باشیم.

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد اروند درخصوص عدم موفقیت در جلب‌نظر ایرانیان مقیم خارج در مناطق آزاد، اظهار داشت: ایرانیان خارج از کشور کسانی هستند که اگر قانون در مناطق آزاد به درستی اجرا شده بود، اصلا مهاجرت نمی‌کردند و سرمایه‌هایشان را به خارج انتقال نمی‌دادند. در حوزه بانک، بورس و بیمه قوانین خیلی خوبی در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد وجود داشت که سال‌ها پیش با نظر شورای نگهبان و رای دیوان عدالت اداری ابطال شده است؛ اما اگر اجرایی می‌شد، بسیاری از این سرمایه‌ها به جای آنکه در کشورهای بیگانه سرازیر شوند، می‌توانستیم در بانک‌های آفشور در مناطق آزاد با استقلال کامل آنها را داشته باشیم و بسیاری از این سرمایه‌ها را جلب و به سمت تولید، صنعت و تجارت هدایت کنیم تا به اقتصاد ملی کمک نمایند.

دریس اذعان داشت: امیدوار هستیم مسئولین محترم به این موضوع بسیار مهم و ملی توجه داشته باشند؛ البته هنوز هم دیر نشده؛ اگر به قوانین مناطق آزاد برگردیم و معرفی و اطلاع‌رسانی درستی از این مناطق و ظرفیت‌های آنها برای سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین ایرانیان خارج از کشور داشته باشیم، می‌توانیم در این حوزه موفق عمل کنیم.

وی در پاسخ به این سوال که چه عوامل و متغیرهای داخلی و خارجی در اقبال اندک سرمایه‌گذاران خارجی به طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد موثر است، تصریح کرد: قطعا یکی از موضوعاتی که در این خصوص تاثیرگذار می‌باشد، بحث دیپلماسی کشور است. باید دیپلماسی درست و استانداردی را از روز اول درخصوص برخورد با سرمایه‌گذاران خارجی انجام می‌دادیم که متاسفانه در این حوزه هم ضعف داشتیم. لذا این موضوع حتما حائز اهمیت است که قوه عاقله کشور به آن مهم، توجه و اهتمام بیشتری داشته باشد تا در آینده بتوانیم از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی در طرح‌های بزرگ و ملی در کشور استفاده کنیم، به‌ویژه در مناطق آزاد که در نقاط صفر مرزی و معمولا در نقاط محروم کشور هدفگذاری شدند؛ چراکه این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند کمک شایان‌توجهی به آبادانی این مناطق کند.

این فعال اقتصادی درخصوص اصلاح قوانین فعلی مناطق آزاد اظهار کرد: هرچند قوانین ما کامل و مترقی هستند و نیاز به تغییر ندارند؛ اما باید بگوییم که اگر می‌خواستیم الگویی از قوانین حمایتی که در کشورهای منطقه داشته باشیم، باید به بحث معافیت مالیاتی بپردازیم که در کشور همسایه ما برای ۵۰سال تعیین شده و بدون قید و شرط و قابل تمدید هم است؛ این درحالی است که قریب به ۲سال از لغو معافیت مالیات بر ارزش افزوده در مناطق آزاد می‌گذرد، ضمن آن که در برنامه هفتم توسعه کشور نیز دولت پیشنهاد داده تا معافیت ۲۰ساله مالیاتی صرفا به واحدهای صادرات‌محور تعلق گیرد، که بی‌شک آخرین تیر بر پیکره نحیف مناطق آزاد خواهد بود. اما یکی از مواردی دیگری که در کشور همسایه وجود دارد ولی ما از آن محروم هستیم، ثبات مدیریت و ثبات اجرای قوانین است که مکررا هم قوانین ما توسط خود دستگاه‌های اجرایی نقض و مانع‌تراشی برای اجرا می‌شود. اینها موانعی است که اگر توجه بیشتری می‌داشتیم، می‌توانستیم نتیجه خوبی در این زمینه داشته باشیم.

دریس افزود: متاسفانه قوانین مناطق آزاد دستخوش تغییر است و فعالین اقتصادی به شدت نگران هستند. دلیل این نگرانی هم کاملا منطقی است؛ چراکه تمامی سرمایه‌هایی که به منطقه آزاد آوردند و عمر و زندگی‌شان را گذاشتند، تحت‌الشعاع تغییرات قرار می‌گیرد و جالب است وقتی از قانونگذار سوال می‌شود که چرا به‌دنبال تغییر قوانین هستید که به اندازه کافی مترقی است؟ پاسخ‌شان این است که اهداف قانونگذار در مورد مناطق آزاد محقق نشده است! بنابراین عدم تحقق این موضوع را هم خودشان اعتراف می‌کنند که به دلیل عدم اجرای قوانین است؛ در نتیجه دچار پارادوکس هستیم. توصیه ما به قانونگذاران محترم این است قوانینی که اجرایی نشده را ملزم به اجرا کنند و یک زمان مشخصی را قائل شوند، بعد ببینند کجا خلاء وجود دارد، آن وقت تصمیم به تغییر قوانین بگیرند.

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد اروند در پایان خاطرنشان کرد: به نظر بنده مناطق آزاد باید به فکر ایجاد درآمدهای پایداری که توسط قانونگذار مشخص شده، باشند تا نیاز به خام‌فروشی در این مناطق نباشد. متاسفانه درحال حاضر شاهد هستیم که عمده مناطق آزاد برای اینکه بتوانند هزینه‌های جاری خود را پوشش دهند، اقدام به خام‌فروشی می‌کنند که این اتفاق خوبی نیست؛ اما اگر درآمدهای پایدار ایجاد شود که بسترش هم وجود دارد، مناطق آزاد بهتر می‌توانند در راستای اهداف تعیین شده حرکت کنند.

حسین رزم‌آبادی، فعال اقتصادی در منطقه آزاد قشم: اثرات مخرب متغیرها و سیاستگذاری‌های غلط داخلی بر عملکرد مناطق آزاد

حسین رزم‌آبادی فعال اقتصادی در منطقه آزاد قشم نیز در گفت‌وگو با نشریه، از چالش‌ها و مشکلات سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد انتقاد کرد و از مانع‌تراشی دستگاه‌های سرزمین اصلی و برخی تصمیمات اشتباه دولت برای دستیابی به اهداف سیاسی سخن گفت.

وی درخصوص مصائب و چالش‌های فعالین اقتصادی مناطق آزاد اظهار داشت: قانونگذار طی سال‌های گذشته قوانین مشخصی برای فعالیت و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تدوین و تصویب نموده است که تفاوت‌هایی با قوانین سرزمین اصلی دارد. مصلحت‌اندیشی و نیازهای عمومی کشور، ضرورت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و بازاریابی و بازارسازی برای تولیدات این مناطق در تدوین این قوانین لحاظ شده و پس از تصویب قانون و ابلاغ تشکیلات دولتی و براساس آن تعهدات منعقد شده مابین سازمان‌های مناطق آزاد و سرمایه‌گذاران در چارچوب قراردادهای حقوقی و قانونی منعقد گردیده است.

رزم‌آبادی ادامه داد: حلقه مفقوده در این فرآیند این است که دستگاه‌های اجرایی کشور، به‌ویژه دستگاه‌های اقتصادی در مسیر برنامه‌های کشور به طور منسجم حرکت نمی‌کنند؛ بلکه هر تشکیلات با بخشی‌نگری، صرفا وظیفه خود را ملاک قرار داده و به طور مرتب برای سایر دستگاه‌های دیگر مانع‌تراشی می‌کنند. تنها زیان‌دیده این بی‌توجهی و بی‌برنامگی، فعالین اقتصادی مناطق آزاد هستند که وظیفه تامین هزینه و درآمد واحد اقتصادی خویش را برعهده دارند. درحال حاضر بزرگترین ناهماهنگی‌های موجود، مباحث مربوط به مالیات، ورود کالا، صادرات کالا، واردات مواد اولیه، واردات تجهیزات و ماشین‌آلات، قانون کار، نظارت و بازرسی و مواردی دیگر است که اقدامات انجام شده و تصمیمات ابلاغی توسط دولت و دستگاه‌های ذی‌ربط با مناطق آزاد، در مغایرت با قانون بوده و کلا قانونگذاری در این موارد را بی‌خاصیت نموده و استنباط‌های شخصی و فردی افراد مسئول ناآشنا به قانون، جایگزین تعهدات قانونی دولت به فعالین اقتصادی شده است.

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد قشم عنوان کرد: به موجب قانون، سازمان‌های مناطق آزاد شخصیت مستقل حقوقی بوده و هیات مدیره سازمان‌های مناطق آزاد می‌توانند در چارچوب قوانین مربوطه، مصوباتی داشته باشند و براساس آن اقدام نمایند. متاسفانه این حق قانونی توسط دستگاه‌های دولتی و همچنین بعضا دستگاه‌های نظارتی نقض گردیده و برای مدیران، مشکلاتی را فراهم می‌نمایند. مهم‌ترین مسئله در عدم حمایت از سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد به دولت مربوط بوده و دولت‌ها از بدو تشکیل مناطق آزاد حمایت مناسبی از مناطق نداشته‌اند. عدم اختصاص بودجه به مناطق آزاد برای ایجاد زیرساخت‌ها، عدم نظارت بر نقض قوانین سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد توسط سایر دستگاه‌های ذیربط وابسته به دولت، عدم حمایت حقوقی و قانونی از سازمان‌های مناطق آزاد در چالش‌های نظارتی و تعرض به قوانین مناطق آزاد و مصوبات هیات مدیره هر منطقه، عدم شفافیت در بعضی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و همچنین ناتوانی حقوقی دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در تبیین، تشریح، آموزش و همسان‌سازی و ایجاد اشتراک معانی مابین سازمان‌های مناطق آزاد و دستگاه‌های ذی‌مدخل خارج از سازمان، ازجمله مسائلی است که منجر به عدم حمایت از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در مناطق آزاد شده است.

وی در پاسخ به این سوال که چرا تاکنون کمتر موفق به جذب سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین ایرانیان خارج از کشور شده‌ایم، گفت: دو کشور ترکیه و چین در یک فرآیند تقریبا ۳۰ساله، تغییرات اقتصادی خود را به‌درستی طراحی و اجرا کردند و اولین قدم آنان نیز استفاده از هموطنان مقیم در خارج از کشورشان بود. ترک‌ها با دعوت از مهاجرین ترک ساکن در آلمان و ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و دادن امتیازهای مناسب که در نهایت سود آن نیز نصیب ترکیه می‌شد، توانستند ترک‌های ثروتمند یا صاحب فن و دانش و تکنیک را به کشور جلب و از طریق آنها، صنایع آلمان را در ترکیه بومی‌سازی کنند؛ به‌ویژه در صنعت ساختمان، پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات که بیشترین موفقیت را داشته‌اند. همچنین چینی‌ها با دعوت از مهاجرین چینی ساکن در غرب موفق شدند ضمن جلب آنان برای سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی به داخل چین و تبدیل تهدید جمعیت به فرصت، بسیاری از کمپانی‌های غربی را برای تولید در چین ترغیب نمایند؛ به نحوی که درحال حاضر بسیاری از برندهای معتبر دنیا در همه زمینه‌ها در چین سرمایه‌گذاری کرده و ضمن تامین نیازمندی‌های داخل چین، به سایر نقاط دنیا نیز صادرات می‌نمایند. با آنالیز هزینه و درآمد کالاهای تولیدی به تاسیسات، تجهیزات، مواد اولیه، نیروی کار و انرژی بالغ‌بر ۸۵درصد از هزینه‌های انجام شده تولید در داخل چین هزینه می‌شود.

رزم‌آبادی افزود: متاسفانه فرهنگ عمومی و دولتی ما کاملا برعکس تجارب موفق دنیا بوده و به محض ورود یک سرمایه‌گذار ایرانی ساکن خارج از ایران، موضوع سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای کشور مسئله فرعی بوده و موارد شخصی و فردی و روابط و بعضی موضوعات دیگر به مسئله اصلی تبدیل می‌شود.

این فعال اقتصادی اظهار کرد: چین و ترکیه با ایجاد امنیت و بهاء دادن به مردم خودشان، موفق شدند سایر سرمایه‌گذاران را جلب و جذب نمایند؛ درحالی که در کشور ما سرمایه‌گذاران ساکن داخل نیز گاهی‌اوقات با مواردی مواجه می‌شوند که ترجیح می‌دهند سرمایه‌های خود را به کشورهای دیگر منتقل نمایند تا از امنیت ثبات قوانین و سرمایه‌گذاری برخوردار باشند.

وی تصریح کرد: درحال حاضر یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید درخصوص مناطق آزاد انجام شود، شفافیت در تدوین قوانین و آیین‌نامه‌ها و پرهیز از تبصره‌گذاری‌های غلط‌انداز می‌باشد. همچنین در هر وزارتخانه یا سازمان دولتی مرتبط با مناطق آزاد، باید دفتر ویژه‌ای که به قوانین و وظایف مناطق آزاد آگاهی و اشرافیت دارد، به صورت موقت یا مقطعی ایجاد گردیده و دستگاه‌های زیرمجموعه خود را نسبت به چگونگی انجام قوانین توجیه نموده و آموزش دهند. در عین حال بخش‌های نظارتی مستقر در هر وزارتخانه با هر یک از مدیران تشکیلات خود که یا به عمد و یا به سهو این قوانین را نادیده می‌انگارند، به‌گونه‌ای برخورد صورت گیرد که از دخالت‌های بی‌مورد و بی‌قانونی توسط سایر دستگاه‌ها نیز جلوگیری شود.

رزم‌آبادی تاکید نمود: یقینا ایجاد یک دبیرخانه مشترک مابین مناطق آزاد و وزارتخانه‌های اقتصادی و سازمان‌های نظارتی و مجلس شورای اسلامی می‌تواند یکی از عوامل ثبات در اجرای به قوانین و فعالیت‌های اقتصادی مناطق آزاد باشد.

وی در پاسخ به این سوال که چه عوامل و متغیرهایی در اقبال اندک سرمایه‌گذاران خارجی به طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد حائز اهمیت می‌باشد، بیان کرد: با توجه به شرایط کشور ما و اقدامات مخرب تحریمی، سیاسی و تبلیغاتی بر علیه جمهوری اسلامی ایران که موجب نگرانی و عدم جلب سرمایه‌های مناسب خارجی به مناطق آزاد شده است، تجربه سه‌دهه گذشته نشان می‌دهد که بیش از عوامل خارجی، عوامل و متغیرهای داخلی ناشی از سیاستگذاری‌های غلط و دخالت‌های غیرقانونی و استنباط‌های شخصی از قوانین و ایجاد مانع و مزاحمت برای فعالین اقتصادی در مناطق آزاد اثرات مخرب‌تری داشته است.

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد قشم در پایان خاطرنشان کرد: متاسفانه بعد از گذشت نزدیک به ۴۵سال از تغییر شیوه مدیریتی و نظام حکومتی در ایران؛ مدیران ما در سطوح مختلف کشور، به این نکته توجه نکرده‌اند که اقتصاد با سیاست تفاوت ماهوی دارد؛ ولی هر دو بر یکدیگر تاثیرگذار هستند. اقتصاد با دستورالعمل، بخشنامه و اجبار به اقدام در جهت خواسته‌های سیاسی پیشرفت نمی‌کند؛ بلکه با کوچکترین تنش و فشار غیرمعقول و فنی، دچار اختلال شده و اثرات زیان‌بار سیاسی برای کشور ایجاد می‌کند. ماهیت سرمایه بسیار محتاط بوده و کوچکترین تنش‌ها را زودتر از هر جریان دیگری احساس کرده و نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد. مدیران و سیاسیون و افراد موثر در سطوح مختلف ملی باید به این نکته توجه کنند که فضای آرام و ثبات قانون و نظارت منطقی و جلوگیری از اجحاف سرمایه‌گذاری بزرگ به سرمایه‌های کوچک و جلوگیری از رانت و انحصار، از عوامل مهم و موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری به‌ویژه در مناطق آزاد بوده و علاوه‌بر جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی، می‌توان سرمایه‌گذاری‌های خارجی را بیشتر به این مناطق جلب کرد؛ خصوصا اینکه می‌توان اتحادیه‌ای از مناطق آزاد ایران، همسو و همگرا با سایر مناطق آزاد دنیا در جغرافیای متفاوت سرزمینی و اقلیمی برای تامین نیازمندی‌های هر یک از کشورهای موردنظر ایجاد نمود و تجارت و اقتصاد انحصاری به‌وجود آمده از طریق کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی را تحت‌تاثیر قرار داد.

احسان بایرامی، فعال اقتصادی و تولیدکننده در منطقه آزاد ارس: با ادامه روند فعلی، به‌زودی باید به فکر اعلام تعطیلی مناطق آزاد کشور باشیم

همچنین، احسان بایرامی فعال اقتصادی و یکی از تولیدکنندگان منطقه آزاد ارس در گفت‌وگو با نشریه، از چالش‌ها و مصائب بی‌پایان سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی در مناطق آزاد سخن گفت.

وی تاکید کرد: ابتدا باید بررسی کرد که فعالین اقتصادی چرا مناطق آزاد را برای سرمایه‌گذاری و فعالیت انتخاب کردند. طبیعتا دلیل آن، وجود دو مزیت عمده در مناطق آزاد است؛ اولین مزیت معافیت مالیاتی است که طبق قانون هر نوع فعالیتی ۲۰سال معافیت مالیاتی دارد، اما متاسفانه در عمل این موضوع اجرا نمی‌شود و اداره مالیات به هر روشی می‌خواهد جلوی این معافیت را بگیرد. ضمن آن ظاهرا قرار است براساس پیشنهاد دولت در لایحه قانون برنامه هفتم توسعه کشور، این معافیت نیز صرفا به واحدهای صادرات‌محور تعلق پیدا کند؛ موضوعی که متاسفانه آقای حجت‌الله عبدالملکی دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ابتدا آن را تکذیب کردند؛ اما متاسفانه امروز می‌بینیم آن بند در برنامه هفتم توسعه به قوت خود باقی است و چنانچه توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی رای بیاورد و تصویب گردد، دیگر چیزی تحت منطقه آزاد در کشور وجود نخواهد داشت و بی‌تردید همین اندک سرمایه‌گذاران باقی مانده نیز یا به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند و یا اینکه سرمایه و واحدهای خود را به سرزمین اصلی انتقال می‌دهند که این اتفاق به معنای انحلال کامل مناطق آزاد ایران خواهد بود!

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد ارس افزود: با عدم شناختی که فعالین اقتصادی از بخشنامه‌های اداری دارند، دستگاه‌های سرزمین اصلی خصوصا سازمان امور مالیاتی به نحوی به دنبال دور زدن فعالین اقتصادی هستند و در نهایت مشمول مالیات هم از نظر درآمدی و هم از نظر ارزش افزوده می‌کنند که این موضوع مزیت عمده منطقه آزاد را از بین می‌برد؛ چراکه اداره مالیات بایستی زیرنظر سازمان منطقه آزاد در مناطق آزاد باشد که این کار عملا انجام نشده و بهتر است بگوییم حداقل در منطقه آزاد ارس این کار صورت نپذیرفته است، یعنی اداره مالیات زیر نظر سازمان منطقه آزاد نیست و مستقیما دستور را از اداره کل استان می‌گیرد و آنها هم می‌گویند هر چقدر خواستید مالیات بگیرید؛ اینها هم شناختی از فعالین اقتصادی ندارند و اصلا علت حضور فعالین اقتصادی را نمی‌دانند و مزیت را از دست فعالین اقتصادی می‌گیرند.

بایرامی در ادامه گفت: مزیت دوم، عوارض گمرکی است که ما فعالین اقتصادی انتظار داریم در مناطق آزاد از آن بهره‌مند شویم؛ ضمن اینکه گمرک هم قوانین خاص خود را دارد.

وی در پاسخ به این سوال که برای کاهش مشکلات پیش‌روی تولید و فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در مناطق چه باید کرد، اذعان داشت: ما باید تصمیم بگیریم که آیا می‌خواهیم مناطق آزاد داشته باشیم یا نه؟ اگر منطقه آزاد را بخواهیم، بایستی با تمام انرژی برنامه‌ها را اجرا کنیم، نه آن‌که فقط ۳۰درصد از قانون مناطق آزاد را صرفا اجرا نماییم و اسم منطقه آزاد را رویش بگذاریم و انتظار داشته باشیم که کل مشکلات کشور به سبب وجود منطقه آزاد رفع شود. بلکه بایستی تعریفی که منطقه آزاد دارد و به عنوان یک منطقه کاملا مجزا از سرزمین اصلی شناخته می‌شود را اجرا کنیم و سپس مزایای آن را ببینیم. به عنوان مثال منطقه آزاد ارس در نظر بگیریم، یا بایستی این منطقه را آزاد اعلام نمی‌کردیم، یا اینکه کل اختیارات را به سازمان منطقه آزاد ارس می‌سپردیم.

این فعال اقتصادی در پاسخ به این سوال که عوامل عدم اجرای قانون مناطق آزاد در حوزه‌های حمایت از جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی چیست، گفت: در این مورد باید به عدم برنامه‌ریزی‌ها تاکید داشت. متاسفانه مسئولین مربوطه صرفا چند منطقه آزاد را به‌وجود آوردند، اما هیچ برنامه‌ای را برای جذب سرمایه‌گذار واقعی پیاده نکردند. در این مدت کسانی که صرفا منافعی می‌بینند و سرمایه‌گذاری به صورت کوتاه‌مدت به‌دردشان می‌خورد، به فعالیت مشغول می‌شوند و بعد یکی دو سال در سرزمین اصلی فعالیت خود را ادامه می‌دهند و فقط به عنوان سوءاستفاده سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بایرامی تصریح کرد: برنامه‌ای برای جذب سرمایه‌گذار داخلی در کشور وجود ندارد، چه برسد به خارجی؛ ضمن اینکه هیچ برنامه حمایتی نداریم و راهکاری هم برای این موضوع ارائه نمی‌دهیم. وقتی ۳۰سال از تدوین، تصویب و ابلاغ یک قانون در کشور می‌گذرد و باید بگذشت سه‌دهه نه‌تنها این قانون اجرایی نمی‌شود، بلکه توسط دولت‌ها و مجالس، در هر دوره بخشی از آن حذف می‌گردد، همچون قانون معافیت مالیات بر ارزش افزوده، چگونه می‌توان به جذب سرمایه‌گذار اندیشید؛ خصوصا سرمایه‌گذار خارجی؟!

وی در ادامه اظهار کرد: فلسفه وجودی مناطق آزاد این است که اگر کشوری به حالت بن‌بست در حوزه اقتصادی قرار گرفت، مناطق آزاد به کمکش بیایند تا هم صادرات و هم واردات و انتقال تکنولوژی‌های جدید به شکل بهتری انجام شود. درواقع مناطق آزاد به عنوان یک کمکی که فضای سیاست‌زده ملی را دور بزنند، وارد می‌شود و با فعالیت اقتصادی، به کشور یاری می‌رسانند تا ارزآوری داشته باشند. مناطق آزادی که تمام قوانین مرتبط با آن به طور کامل اجرا شود، در دورانی که نسبتا به بن‌بست خورده‌ایم و اقتصاد بحرانی داریم، می‌توانند مشکلات ارزآوری و صادرات کشور را به راحتی مرتفع کنند، ولی مهم این می‌باشد که در خصوص مناطق آزاد کشور ما انجام نشده است.

این فعال اقتصادی و تولیدکننده در منطقه آزاد ارس در پایان خاطرنشان کرد: مسئولان می‌بایست از نزدیک با مشکلات سرمایه‌گذاران آشنا شوند. ولی متاسفانه اجرای این رویه هم بسیار ضعیف است؛ اینکه صرفا جلسه‌ای برگزار شد و وقت تولیدکننده و صنعتگر گرفته شود و هیچ نفعی و کارایی نداشته باشد، نمی‌تواند موثر واقع گردد. ضمن آن‌که در دوره جدید مدیریتی دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، همان جلسات بی‌محتوا و بی‌نتیجه سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی با دبیر شورایعالی و معاونین ایشان نیز صورت نگرفته است؛ ظاهرا مسئولین دبیرخانه بیشتر به دنبال برگزاری نمایشگاه مختلف داخلی و خارجی هستند و سرمایه‌گذاران مستقر در این مناطق را به دست فراموشی سپرده و آنها کفش آهنین پوشیده‌اند تا از کردستان عراق، ارمنستان، امارات، چین و سایر نقاط دنیا سرمایه‌گذار خارجی جذب کنند. بنده صراحتا به این دوستان اعلام می‌کنم که از خواب و خیال خود برخاسته و واقعیت‌های موجود را با چشم باز ببینند؛ چراکه با این روش مدیریتی در دبیرخانه شورایعالی و همچنین سازمان‌های مناطق آزاد، به‌زودی باید به فکر اعلام تعطیلی این مناطق از کشور باشیم.

ابوالفضل خدابنده، تولیدکننده و فعال اقتصادی در منطقه آزاد ماکو: لزوم اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات مناطق آزاد مطابق با استانداردهای بین‌المللی

و اما، ابوالفضل خدابنده تولیدکننده و فعال اقتصادی در منطقه آزاد ماکو در گفت‌وگو با نشریه، از دخالت و تلاش‌های دستگاه‌های دولتی در جهت ناکارآمد کردن و بی‌اثر نمودن مناطق آزاد در اقتصاد کشور سخن گفت و تاکید کرد: تا زمانی که استقلال مناطق آزاد از کشور را در زمینه قوانین و مقررات تجاری صنعتی نپذیریم، توفیقی در زمینه جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نخواهیم داشت.

وی درخصوص عوامل عدم اجرای قانون مناطق آزاد اظهار کرد: با شروع به‌کار دولت سیزدهم امیدوار بودیم که چنانچه برخی عوامل موثر در این مسیر ناآگاه هستند، به فکر چاره افتاده و در راه اجرای قانون و مقررات تلاش نمایند. ولی امروز مطمئن هستیم که بسیاری از عزیزان از اجرای آن هراس داشته و نمی‌توانند نتایج عمل به آن را تحمل نمایند؛ چراکه عملکرد مطلوب مناطق آزاد باعث خواهد شد تا ناکارآمدی و نداشتن بهره‌وری مدیریت آنان در سرزمین اصلی هویدا شود. البته شاید به عقیده بسیاری این نظر بدبینانه باشد؛ ولی بنده کماکان به آن معتقد هستم. ولی این سیاست که بسیاری از این تلاش‌ها صرفا جهت ارائه نشانی غلط از علل و عوامل ناکارآمدی اقتصاد داخلی و انحراف افکار عمومی از انواع مشکلات و تخلفات صورت پذیرفته، توسط دستگاه‌های دولتی در داخل کشور می‌باشد، به نظر منطقی‌تر است.

خدابنده درخصوص عدم جلب‌نظر سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین ایرانیان مقیم خارج از کشور به مناطق آزاد بیان داشت: اگر بپذیریم قوانین و مقررات و نوع فعالیت‌های اقتصادی در سایر کشورها با عنایت به حاکمیت استانداردهای بین‌المللی و سازمان‌های ناظر و کنترل کننده متبوع همچون سازمان تجارت جهانی و یا تشکیلات اتاق‌های بازرگانی بین‌المللی یا مشترک بین کشورها، با نوع و روش حاکم بر کشورمان یعنی اقتصاد دولتی بسیار متفاوت است و به علت اصرار بر تسری این روش به صورت پیدا و پنهان در محدوده مناطق و نقض قوانین خاص مناطق آزاد باعث شد که در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانیان خارج از کشور با روش‌های بین‌المللی هماهنگ شده‌اند، اقبال کمی داشته باشیم و تا زمانی که این اصل مسلم یعنی استقلال مناطق آزاد از کشور را در زمینه قوانین و مقررات تجاری صنعتی نپذیریم، توفیقی در این زمینه نخواهیم داشت.

این فعال اقتصادی در منطقه آزاد ماکو در پاسخ به این سوال که چه عوامل و متغیرهایی در اقبال اندک سرمایه‌گذاران خارجی به طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد حائز اهمیت می‌باشد، گفت: هیچ سرمایه‌گذار خارجی بدون مطالعه شرایط داخلی محیط سرمایه‌گذاری و اطمینان از ثبات و امنیت در تمامی زمینه‌ها، اقدامی را صورت نخواهد داد. بنابراین با عنایت به امکانات موجود در زمینه انتقال اطلاعات و عصر طلایی ارتباطات، کوچکترین ناهماهنگی، درگیری، ناهنجاری و برخوردهای غیرسازنده داخلی در این راه بسیار موثر می‌باشد. در رابطه با متغیرهای خارجی نیز چنانچه این اطمینان از طرف حاکمیت داخلی درخصوص عدم دخالت و تسری رویه جاری داخلی و قوانین و مقررات سرزمین اصلی و رعایت حاکمیت استانداردهای بین‌المللی و استقلال متناسب با فرهنگ عمومی کشور در مناطق آزاد به سرمایه‌گذاران خارجی داده نشود، احتمال حضور آنان به‌ویژه در زمینه جذب فناوری‌های پیشرفته بسیار ضعیف خواهد بود.

وی درخصوص اصلاح قوانین مناطق آزاد تصریح کرد: خط‌کشی قوانین داخلی و خارجی در مناطق آزاد از اصل اشتباه بوده و قانونگذاران در سال ۱۳۷۱ با تصویب قانون مترقی و مقررات مصوب آن که در برگیرنده بسیاری از استانداردهای قانونی بین‌المللی است، راه را برای مجریان باز گذاشته و مطمئنا قوانین و مقررات این مناطق می‌بایستی با عنایت به تغییرات قوانین بین‌المللی و شرایط رقابتی با سایر مناطق به‌ویژه مناطق آزاد کشورهای همجوار، همواره در معرض بازبینی قرار گیرد. به عقیده بنده ارتقای مزایای قانون و مقررات فعلی خصوصا در بخش، معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های گمرکی، تولید و مدیریت واردات اقلام موردنیاز کشور و بالاخص در زمینه جذب فن‌آوری‌های روز دنیا مطابق ماموریت و اهداف مندرج مناطق آزاد در بند۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

این تولیدکننده و فعال اقتصادی در منطقه آزاد ماکو در پایان خاطرنشان کرد: امیدوارم مجموعه نظام در این برهه حساس و خطیر، تصمیمات راهبردی جهت تحقق منافع ملی برای کشور و مناطق آزاد اتخاذ نمایند.

یادداشت

حذف معافیت‌ها و مشوق‌های مناطق آزاد کاملا اشتباه است

یادداشت:
یاشار چگینی
کارشناس مسائل اقتصادی

در همین ابتدای کلام باید تصریح کرد که به طور کلی مناطق آزاد ایران همدیگر را خنثی کرده‌اند؛ برخی مناطق عملکرشان خوب بوده، برخی دیگر نقش موثر در رسیدن به اهداف اصلی و بحث اقتصاد مقاومتی را کم‌رنگ کرده‌اند. به اعتقاد بنده، اصلا نیازی به افزایش مناطق آزاد وجود ندارد؛ زیرا این مناطق موجود باید فلسفه وجودی‌شان را درست ادامه دهند و صرف اینکه منطقه‌ای را اضافه کنیم، از نظر منطقی و عقلی به هیچ‌وجه درست نمی‌باشد. مناطق آزادی همچون کیش، قشم، چابهار و... مناطقی هستند که به آب‌های آزاد راه دارند، در عین حال قابل کنترل هستند و قطعا در توسعه سرزمین اصلی و پیشبرد اهداف مدنظر در بند۱۱ اقتصاد مقاومتی هم موثر خواهند بود. بنابراین منطقه آزاد شاید جلوی مقداری از سرمایه‌گذاری‌هایی که به خارج از کشور روانه می‌شد را بگیرد یا در بحث گردشگری فعال بوده باشد؛ اما در بخش صنعتی شدن واردات و بومی‌سازی تکنولوژی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی راه طولانی در مسیر مناطق آزاد ایران وجود دارد و آمار و ارقام ارائه شده در این رابطه بسیار مخدوش و عجیب است. البته اعدادی برای سرمایه‌گذاری خارجی اعلام می‌شود، اما باید ببینیم ماهیت آن چه بوده و این موضوعی است که نقش دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را را پررنگ می‌کند؛ چراکه آمارها از این نهاد به گوش می‌رسد.

نقش منطقه آزاد کیش کاملا لمس می‌شود؛ این منطقه ویژگی‌هایی دارد که نباید یکسان با دیگر مناطق برایش استراتژی تعریف کرد. درواقع نباید قوانین حاکم یکسان باشد و قوانین سرزمین اصلی بر روی آن پیاده شود؛ مثل قوانین بانک‌ها یا بخش واردات و...؛ زیرا منطقه این راهی به بیرون ندارد و کاملا کنترل شده است. اینکه تهمت‌هایی زده می‌شود که مناطق آزاد محلی از قاچاق است، شاید شامل برخی مناطق دیگر که مرزی هستند، شود و در عین حال برخی دیگر از مناطق همچنان مورد غفلت قرار می‌گیرند و متهم به این می‌شوند که هیچ اتفاقی در آنجا نمی‌افتد.

در وهله اول دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی باید تقویت گردد و افراد بادانش و متخصص در این مجموعه به‌کارگیری شود. سپس دبیرخانه شورایعالی بایستی برای هر کدام از مناطق به صورت جداگانه استراتژی مشخص کنند؛ می‌بایست نگاه متفاوت به هر کدام از مناطق وجود داشته باشد، نه آنکه مثل بچه‌ای کم‌اهمیت به این مناطق نگاه شود. هریک از مناطق به استعدادی خاص دارند و باید بر روی آن بخش تمرکز کرد. از نظر صنعتی شدن مناطق آزاد کشور باید ببینیم آمارها چگونه است. پیشنهاد می‌دهم دبیرخانه در بحث محاسبه ارزش افزوده‌های تمام مناطق آزاد با یک فرمول، مجری، مشاور و روش؛ تولید ناخالص ملی، تشکل سرمایه و انباشت آن را حساب کند؛ ممکن است آمار هرمزگان با منطقه‌ای دیگر متفاوت باشد و طبیعتا این عملکرد متفاوت، نشان دهنده کارا یا غیرکارا بودن یک منطقه نیست. در بحث داد و ستاننده نیز که چقدر از این مناطق به خودشان و بخش داخل توانستند کمک کنند، باز هم بایستی آمار منطقه‌ای وجود داشته باشد؛ چراکه با یک روش و متولی قابل قیاس نیست و متاسفانه برخی مناطق اصلا مغفول ماندند.

اعدادی که این روزها از مناطق آزاد اعلام می‌شود؛ مطلق غیرواقعی است؛ چراکه اگر مساحت مناطق آزاد و پولی که در بانک‌ها می‌چرخد را در نظر بگیریم، باید تاکید کنیم که بخش صادرات همچنان قابل توجه نیست. درست است که به عددش نگاه می‌کنیم و می‌گوییم مثلا چندین برابر شده، اما این مقدار بالا نیست. منطقه آزادی که در چین و آسیای شرقی وجود دارد، رشدشان پایین است، اما اعدادشان بزرگ است. سنگاپور را اگر در نظر بگیریم، مساحتش با کیش زیاد فرق نمی‌کند، اما روی ارتفاع آن منطقه کار کردند و با برنامه‌ای که داشتند، از سرزمین اصلی متاثر نشده‌اند. اکنون بحث تخصیص ارز نیمایی، ممنوعیت ورود کالا و خودرو به شکلی است که به صنعت گردشگری مناطق آزاد لطمه زده و ما باید تابع قوانین ارزی کشور باشیم؛ لذا اینها باید بازنگری شود وگرنه نمی‌تواند نقش موثری ایفا کند. اینکه در بخش صنعت ادعا ندارند و بیشتر بحث زمین فروشی و تامین نیاز هزینه‌ای‌شان از طریق آن، راهکار این مناطق شده است، نشان دهنده رشد اقتصادی نیست.

اینکه در صادرات مناطق آزاد رشد قابل‌توجه باشد، صحت ندارد و بیشتر از اینها انتظار می‌رود. باید دید در این مسیر، واردات تکنولوژی صورت گرفته و آیا سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد یا صرفا وجوه خارجی آمده؟ این موضوع قابلیت تفکیک در آمار دارد و این اعداد کلی مقداری گمراه کننده است.

متاسفانه مجالس ما درخصوص مناطق آزاد حفظ وضع موجود کردند، زیرا بعضا در شرایطی قرار گرفتند که بحث سکوی صادراتی بودن مطرح نبوده؛ تغییر مکرر مدیران ارشد دبیرخانه و سازمان‌های منطقه آزاد و از طرفی با یک نگاه همه مناطق را دیدن، به نفع توسعه اقتصادی نبوده است. شاخص‌های اقتصاد مقاومتی در هر کدام از مناطق آزاد می‌تواند متفاوت باشد، پایین بودن شاخص در یکی نشان دهنده ضعف مدیریت نیست؛ زیرا ممکن است اصلا امکانی در آن مناطق وجود نداشته باشد. مدت‌هاست بحث قوانین ارزی و بانکی مسکوت مانده، ضمن اینکه قانون چگونگی اداره مناطق آزاد باید بازنگری شود. لذا مجالس ما بیشتر در این مدت حفظ وضع موجود و افزایش مهمان‌های مناطق آزاد را مدنظر قرار دادند.

تا زمانی که بانک مرکزی اهمیت مناطق آزاد را به عنوان جزء خارج از آن قوانین ارزی کشور نبیند، داستان تناقض مسئولان مناطق آزاد و وزارتخانه‌ها در رابطه با بحث گمرک، مالیات و... وجود دارد. اینکه دولت فکر می‌کند معافیت‌های مالیاتی مناطق آزاد را حذف کرده، می‌تواند کمکی به بازار ارز و درآمدهای خود کند، کاملا اشتباه است. نباید این موارد را در مناطق آزاد به عنوان دید. نمی‌شود اینها را به سرمایه‌گذار تحمیل نمود و در نهایت انتظار داشته باشیم با دست و پایی که بستیم، تغییرات اساسی صورت گیرد.

بررسی علل ضرورت مداقه بر نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در توسعه تولید و صادرات کشور:

تسریع توسعه صنعتی با تلفیق تکنولوژی خارجی و عوامل علمی داخلی در مناطـــق آزاد

گزارش:
مهرناز عالمی

منطقه آزاد، ناحیه‌ای از قلمرو کشور است که خارج از محدوده فیزیکی، قانونی و اداری تاسیسات گمرکی قرار دارد. ورود و خروج سرمایه و سود آن و جابه‌جایی نیروی کار متخصص در منطقه، به سهولت صورت می‌گیرد و کالاها و مواد خارجی را که منع قانونی نداشته باشند، می‌توان بدون هرگونه موانع گمرکی و ترانزیتی، یا در انبارهای آن نگهداری و یا در کاخانه‌های مستقر در آن تغییر شکل داده و به کالاهای دیگر تبدیل نمود.

درواقع منطقه آزاد یک محدوده جغرافیایی است که در آن کالاها بدون حقوق گمرکی، آزادانه وارد می‌شوند تا پردازش و صادر گردند و سرمایه‌گذاران از مشوق‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی و آزادی عمل بیشتری در استخدام نیروی کار برخوردارند. بنابراین ویژگی برجسته منطقه آزاد این است که برای کالاهای داخلی کشور میزبان، مالیات در نظر گرفته نمی‌شود و سایر محدودیت‌های تجاری خارجی در واردات و صادرات نیز بر مناطق مذکور اعمال نمی‌گردد. همچنین در این مناطق خدمات ارتباطی و سایر زیرساخت‌ها مطلوب‌تر از میزان متوسط بقیه اقتصاد میزبان است و از نظر مالکیت، بنگاه‌ها در این مناطق می‌توانند داخلی، بین‌المللی و یا با سرمایه‌گذاری مشترک باشند.

اهداف ایجاد مناطق آزاد در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، عبارتند از: فراهم کردن شرایط مناسب به منظور افزایش تولید و صدور کالاهای صنعتی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی، افزایش درآمد حاصل از توریسم، تامین مواد اولیه و قطعات موردنیاز صنایع، برقراری پیوندهای صنعتی با داخل کشور، رشد رفاه اقتصادی و مادی مردم مناطق، منافع ملی، آشنایی با تجارت بین‌الملل، جلوگیری از شوک‌های ناشی از مراحل انتقال اقتصاد در عصر جهانی شدن، تربیت نیروی انسانی متخصص و کسب و ارتقای مهارت‌های مدیریتی که در پی انتقال تکنولوژی به‌دست می‌آیند، ترغیب سرمایه و شتاب بخشیدن به توسعه منطقه، برپایی نمایشگاه‌ها، تنظیم بازار کار، ارائه خدمات عمومی، انجام امور زیربنایی، عمرانی و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، تبادل تکنولوژی و اطلاعات، استفاده تولیدکنندگان داخلی از پول موجود در بازارهای جهانی، حضور در بین قدرت‌های رقیب در عرصه بین‌المللی، افزایش و توسعه صادرات با حمایت از رشد و توسعه صنایع صادراتی، افزایش واردات ارزی، کمک به حل مسئله بیکاری با ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و ارتقاء سطح استانداردهای اقتصادی با وارد کردن تولیدات پیشرفته و تکنولوژی‌های مدرن مدیریتی از خارج به داخل کشور.

البته برخی از کشورها، علاوه‌بر موارد ذکر شده، هدف‌های دیگری مانند محدودیت‌زدایی و توجه به مناطق محروم را نیز دنبال می‌کنند؛ چنانچه در ماده(یک) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران، هدف از تشکیل مناطق آزاد تجاری-صنعتی اینگونه بیان شده است: «تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، انجام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش درآمدهای عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای و تولید و صادرات کالا».

شرایط و عوامل موفقیت مناطق آزاد

در موفقیت یک منطقه آزاد عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مقررات داخلی و موقعیت مکانی دخالت دارند که به چند عامل به طور اختصار اشاره می‌شود:

۱) سازگاری هدف‌های منطقه آزاد با استراتژی اقتصاد ملی

هدف‌ها و راهبردهایی که برای ایجاد منطقه آزاد انتخاب می‌شوند، می‌بایست کاملا در راستای اهداف و راهبردهای اقتصاد ملی قرار گیرند. چنانچه آمادگی لازم جهات پذیرش فلسفه وجودی مناطق آزاد در برنامه‌های ملی وجود نداشته باشد، ایجاد این مناطق به تنهایی گره‌گشای مشکلات اقتصادی کشور نخواهد بود.

۲) حراست‌های قانونی

قانون مناطق آزاد هر کشوری باید به طرز مشخص و صریح، ویژگی‌های نقش منطقه آزاد در توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین اهداف و وظایف و اختیارات آن را تبیین و روشن سازد و امتیازاتی را که برای تحقق اهداف تعیین شده و ایجاد انگیزه‌های تشویقی برای موسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در نظر گرفته است و شرایط ورود و خروج سرمایه و نیروی کار را به وضوح بیان می‌کند، هرگونه ابهامی در این زمینه، تحقق اهداف از پیش تعیین شده را غیرممکن می‌سازد.

۳) دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدمات همگانی

دسترسی به تسهیلات زیربنایی از مهم‌ترین عوامل است که سرمایه‌گذار را به سوی منطقه آزاد جلب می‌کند. امکانات اولیه نظیر آب، برق، سوخت، تلفن، ارتباطات راه دور، تسهیلات حمل‌ونقل در خشکی و آب، بندرگاه‌ها و اسکله‌های مناسب، خطوط ارتباطی، راه‌ها و فرودگاه‌ها، ساختمان اداری مسکونی در استانداردهای پذیرفته شده ازجمله شرایط ضروری جهت موفقیت منطقه آزاد به‌شمار می‌آید. علاوه‌بر تاسیسات فیزیکی مذکور، ارائه خدمات به‌موقع بانکی و بیمه‌ای، کشتیرانی و تجاری، تسهیلات مسافرت هوایی، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب و امکانات تفریحی می‌توانند به‌گونه‌ای مثبت برای جلب سرمایه‌گذاران، بازرگانان و گردشگران به منطقه آزاد تاثیر گذارند.

٤) سازمان اجرایی مناسب

وجود نهادها و تشکیلات سازمانی با عملکرد منظم و منسجم، مهم‌ترین شرایط پیشرفت امور به‌شمار می‌رود. بنابراین به‌کار گرفتن پرسنل آموزش‌دیده و آشنا به فرهنگ صنعتی و تجاری مدرن، وجود مدیران کارآمد همراه با ضوابط و مقررات صریح و روشن جهت اتخاذ تصمیمات سریع و روزمره نهایت اهمیت و اعتبار را دارد؛ موضوعی که این روزها به ندرت در سازمان‌های مناطق آزاد ایران شاهد آن هستیم.

۵) ثبات سیاست‌های اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی و تصمیماتی که جهت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و نیز جهانگردان و گردشگران به منطقه آزاد اتخاذ و رسما اعلام می‌شود، باید پایدار و درازمدت باشد. تغییرات پی‌درپی در سیاست‌ها موجب سلب اطمینان فعالان تجاری و سرمایه‌گذاران از این مناطق شده و هدف‌های مورد نظر را با شکست مواجه می‌سازد؛ اتفاقاتی که متاسفانه به وفور در حوزه مناطق آزاد کشور ما به وقوع می‌پیوندد و موجب فرار سرمایه‌گذاران شده است.

٦) انتقال تکنولوژی و فرهنگ صنعتی

امروزه تخصص تولیدی بیش از ابزار، در مغزها جمع شده است و تقاضا برای نیروی انسانی متخصص همراه با ضرورت عرضه خدمات با کیفیت بالا در منطقه آزاد که سرعت، دقت، سهولت، اطمینان و کارایی از اجزای تفکیک‌ناپذیر آن به‌شمار می‌رود، به اینگونه مغزها، تخصص‌ها و آموزش‌ها نیاز دارد. متقابلا منطقه آزاد با نیروهای متخصص که تربیت می‌کند، به نیاز اقتصادی ملی پاسخ می‌دهد.

۷) هماهنگی مسئولین منطقه آزاد و مردم

بروز اختلاف‌نظر بین مردم و مقامات دولتی و یا مسئولین منطقه آزاد و وجود ناهماهنگی بین مسئولان اجرایی در انجام وظایف جاری، موجب توقف یا کندی کارها می‌شود.

اثرگذاری و اهمیت مناطق آزاد در توسعه تجارت داخلی

مناطق آزاد براساس این اعتقاد شکل گرفته‌اند که موتور رشد تجارت و توسعه اقتصادی یک کشور باشند. درواقع مناطق آزاد به‌مثابه الگوی نمونه برای اصلاح ساختار اقتصاد کشور برای انطباق با تحولات پدید آمده در اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند، که با توجه به اینکه ساختار اقتصاد کشور از طریق حذف موانع اداری و برقراری مقررات آسان و در عین حال، تقویت کنترل‌ها و نظارت‌های کلان اصلاح می‌شود؛ مناطق آزاد می‌توانند به عنوان ابزاری برای طراحی، آزمون و تکامل برنامه‌ای اصلاح ساختاری و بهره‌برداری از نتایج آن به منظور تسری اصلاحات به سرزمین اصلی موردتوجه قرار گیرند. این مناطق درواقع کانون تغذیه و توسعه برای کشورهایی هستند که می‌دانند در جهان امروز چگونه خود را به لحاظ اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی جهت‌دهی کنند.

مناطق آزاد وسیله‌ای برای ورود به بازارهای جهانی و به عنوان پدیده‌های فراگیر و ابزاری برای تحقق استراتژی‌های توسعه برون‌نگر با تاکید بر سیاست توسعه صادرات موردتوجه قرار گرفته‌اند و با بهره‌گیری از برتری‌های نسبی اقتصاد داخلی، در بازرگانی بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند و می‌توانند به عنوان تسریع کننده ارتباط با اقتصاد داخلی به‌کار روند؛ که این افزایش ارتباط با بازارهای بین‌المللی در تجارت داخلی اهمیت زیادی دارد و می‌تواند در اقتصاد و تجارت داخلی موثر باشد و موجب توسعه و رونق تجارت داخلی شوند. ایجاد مناطق آزاد می‌تواند آزادی مبادلات تجاری را تامین کند و نتیجه این اقدامات، سرازیر شدن مداوم سرمایه‌های خارجی به کشور در همه صنایع است؛ بنابراین به وسیله مناطق آزاد استراتژی توسعه صنعتی از طریق گسترش صادرات به ثمر می‌رسد.

می‌توان گفت مجریان و برنامه‌ریزان توسعه، با پیگیری سیاست برون‌نگر ضمن اقدام به ایجاد مناطق آزاد و مبدل ساختن آنها به ابزار توسعه اقتصادی و بازگشایی اقتصاد، توانستند از این مناطق به عنوان سازوکاری متناسب در جهت توسعه صنعتی استفاده نمایند. درواقع مناطق آزاد می‌توانند با جذب برخی تخصص‌های فنی و سرمایه‌ای ازجمله مدیریت سرمایه و همچنین تکنولوژی موردنیاز، به جریان توسعه صنعتی کشور یاری رسانند، که با این وسیله می‌توان عوامل تولید داخلی را با علم و دانش فنی نوین تلفیق کرده و کشور را در مسیر توسعه و همسو با اقتصاد جهانی قرار داد.

در حقیقت با ایجاد مناطق آزاد، خرید مواد خام، کالاهای نیمه‌ساخته و ماشین‌آلات کشور میزبان توسط بنگاه‌های مستقر در مناطق آزاد افزایش پیدا می‌کند که این عامل خود سبب انتقال فن‌آوری هم می‌شود و این جریان یعنی انتقال تخصص‌های فنی و سرمایه‌ای و تکنولوژی نوین باعث توسعه صنعتی کشور میزبان می‌شود و این توسعه در صنعت و تولیدات یک کشور می‌تواند در تجارت داخلی کشور تاثیرات زیادی بگذارد. درواقع با توسعه صنعت و تولیدات در کشور به خصوص اگر این توسعه با تکنولوژی نوین همراه باشد، تجارت هم در داخل کشور و هم در رابطه با دیگر کشورها و در بخش صادرات رونق بیشتری خواهد گرفت. همچنین در صورتی که پایگاه صنعتی نسبتا توسعه یافته‌ای در کشور وجود داشته باشد، این امر مشوق شرکت‌های خارجی برای ارتباط با اقتصاد داخلی خواهد بود که از این طریق نیز تجارت داخلی در مسیر پیشرفت و توسعه قرار خواهد گرفت.

کشورهای موفق، مناطق آزاد را وسیله‌ای برای ورود به بازار جهانی و بهره‌گیری از برتری‌های نسبی در بازرگانی بین‌المللی می‌دانند و امیدوار هستند مناطق مذکور، یاری‌دهنده آنان در رهایی از فقر و عقب‌ماندگی باشند. تکنولوژی، مدیریت و سرمایه را به کشور آنها وارد کنند و عوامل تولید داخلی را با عوامل علمی و دانش فنی خارج تلفیق نمایند و سرانجام کشور را در مسیر توسعه صنعتی و در درازمدت در رده کشورهای توسعه یافته و صنعتی قرار دهد.

هر چند نرخ بازدهی در این مناطق عموما مثبت است، ما از میان شمار بسیار مناطق آزاد و پردازش صادرات جهان، جدا از انگیزش‌ها و مشوق‌های ارائه شده در این مناطق، تنها مناطقی موفق بوده‌اند و توانسته‌اند نقش اساسی در توسعه اقتصادی و صنعتی کشورها ایفا نمایند، که در جایگاه مناسب در میان بسته‌های سیاسی کل کشور نشسته باشند و حرکت پیوسته و باثباتی را در سطح ملی برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی خود سازمان داده و دستیابی به پیشرفت رشد و توسعه ورود به عرصه تولید و تجارت در جهان را در دستورکار خویش قرار داده‌اند.

بدین معنا ایجاد مناطق آزاد در هر کشور را نباید به صورت اقدامی مجزا از اقتصاد ملی، بلکه باید به منزله ابزاری برای توسعه صنعتی و بخشی از راهبردهای کلان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی تلقی کرد. در غیر این صورت این مناطق تنها جنبه نمایشی و غیرواقعی به صورتی مجزا از تمامیت اقتصاد کشورها را خواهند داشت.

بازیگری مناطق آزاد در رونق اقتصاد ایران

یکی از مهم‌ترین اهداف تاسیس مناطق آزاد، کسب درآمد ارزی است. کسب درآمد ارزی تابع صادرات کالا و عملکرد صنعت جهانگردی است که تاثیر مثبتی بر اقتصاد کشورها دارد.

در زمینه افزایش صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل مهم به‌شمار می‌رود. درواقع سرمایه‌گذاری خارجی موجب توسعه تولیدات صنعت و فناوری و انتقال تکنولوژی و ظرفیت‌های فنی از خارج است و دستیابی به این هدف معمولا با روش‌های مالکیت‌های خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک، تحت لیسانس، فروش و انتقال تکنولوژی انجام می‌شود.

صنعت توریسم از دیگر زمینه‌های کسب درآمد برای مناطق آزاد است؛ این صنعت یکی از پربازدیدترین فعالیت‌های اقتصادی در جهان است و بالاترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند. مناطق آزاد ایران در این مورد در جذب مسافرین داخلی موفق‌تر بوده است، که این موضوع حاکی از آن است که مناطق آزاد در بعد فرهنگی، با جذب درصدی از مسافرین عازم خارج، توانسته است تا حدودی از عوارض ناشی از مسافرت‌های خارجی را بکاهد.

به طور کلی در ایران انگیزش‌های مالی به نسبت خوبی ازجمله در زمینه تعرفه‌ها، مالیات، ورود و خروج سرمایه و مالکیت خارجیان بر سرمایه ارائه شده است. بخشی از مزیت‌های قانونی منطقه آزاد تجاری-صنعتی ایران که از طریق آنها می‌توان به اهداف تعیین شده، دست پیدا کرد، عبارتند از: آزادی ورود و خروج سرمایه، معافیت مالیاتی ۲۰ساله، تضمین کامل سرمایه‌های خارجی، امکان ترانزیت، امکان مشارکت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، معافیت گمرکی برای ورود کالای ساخته شده در منطقه به داخل کشور، امکان ورود کالان بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منطقه، امکان خرده‌فروشی کالا، امکان ورود اتباع خارجی از طریق مبادی ورودی و خروجی و... ولی متاسفانه به رغم داشتن زمینه‌ها و توان بالقوه برای توسعه و پیشرفت، به دلیل ضعیف امکانات و تاسیسات زیربنایی، عدم منابع تامین درآمدها، عدم جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، عدم جایگاه تعریف شده در برنامه‌های کلان و راهبردهای توسعه اقتصادی کشور، مناطق آزاد در ایران نتوانسته‌اند در حد انتظار عملکرد موفقی ارائه نمایند.

نقش پررنگ مناطق آزاد در رشد تجارت و افزایش صادرات کشور

در دنیای امروز که جهانی شدن اقتصاد یکی از مولفه‌های آن است، تمامی کشورها نیاز به صادرات و واردات دارند؛ زیرا هیچ کشوری نمی‌تواند تمام نیازهای داخلی خود را تامین نماید. مسلما کشورهایی که صادرات آنها بیشتر از واردات است، یعنی با مازاد تجاری روبه‌رو هستند، واحد پولی آنها تقاضای بیشتری دارد و کشورهای واردکننده مجبور به تهیه ارز کشورهای صادرکننده می‌باشند و برعکس؛ کشور واردکننده با کاهش ارزش پولی خود مواجه است و در نتیجه قیمت کالاهای وارداتی برای مصرف کننده داخلی گران‌تر تمام می‌شود.

تولید، محور اصلی پیشرفت و توسعه می‌باشد و افزایش تولید، باعث افزایش اشتغال و درآمد ملی و افزایش صادرات و واردات می‌باشد، از این رو با توجه به اهمیت زیاد صادرات، دولت باید بستری مناسب را برای هرچه بهتر اجرا نمودن این مهم فراهم نماید.

از عواملی که می‌تواند باعث افزایش صادرات شود می‌توان به معافیت‌های مالیاتی، اعطای تسهیلات، رفع مشکلات مربوط به گمرک و سیاست‌های حمایتی دولت از صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران اشاره کرد. همچنین با ارتقای بسته‌بندی محصولات و معرفی یک برند مخصوص در بازار و افزایش کیفیت کالاها نسبت به کالای مشابه خارجی می‌توانیم جهش صادراتی را داشته باشیم.

از طرفی وجود قوانین محدودکننده برای واردات پیامدهای منفی را برای اقتصاد در پی دارد که می‌توان به شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و قاچاق کالا که تبعات آن ضربات سنگینی را به بدنه تولید داخلی وارد می‌نماید، اشاره نمود. باتوجه به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشورهای همسایه و توانایی پایین تولید داخلی این کشورها، باید بیشترین صادرات کشور به این نقاط باشد.

اما در این میان مناطق آزاد نقش پررنگی در توسعه تجارت و صادرات کشورها ایفا می‌کنند. در سراسر جهان، مناطق آزاد با هدف‌های مختلفی شکل گرفته‌اند، اما پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از اقتصادها برای نیل به نرخ بالاتر رشد اقتصادی، رو به ایجاد چنین مناطقی آورده‌اند.

این مناطق به‌مثابه ابزاری جهت سیاست‌های تعدیل و تثبیت اقتصادی مدنظر قرار گرفته است و همان‌طوری که از اهداف این مناطق در قانون برنامه استفاده می‌شود، مناطق آزاد در راستای آزادسازی اقتصادی می‌توانند آثار مثبتی در جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی و مدیریت و ایجاد بازارهای گسترده‌تر، جهت صادرات کشور و برقراری ارتباطات بیشتر با صنایع داخلی داشته باشد.

از آنجا که برقراری تعرفه‌های گمرکی، به‌طور مستقیم بر هزینه تولید کالاهای صادراتی تاثیر می‌گذارند، بنابراین در صورت افزایش هزینه‌ها، مزیت نسبی این کالاها نیز تنزل می‌یابد، پس می‌توان از طریق تاسیس مناطق آزاد، این نقیصه را رفع کرد و درواقع مزیت‌های نسبی کشور را آشکار نمود. در این شرایط دولت‌ها مناطق خاص را معین می‌کنند تا کالاهای واسطه‌ای مورداحتیاج آنها بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد و پس از تولید به بازارهای جهانی ارائه گردند. این مناطق از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک، زمینه‌های انتقال تکنولوژی مدیریت را، به داخل کشور فراهم کرده و باعث افزایش تولید داخلی خواهند شد.

به طور کلی نقش‌های عمده‌ای را که باعث اهمیت چنین بخش‌هایی در اقتصاد می‌شود، می‌توان این‌گونه برشمرد: جذب سرمایه و تحریک فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری، انتقال و جذب تکنولوژی و فناوری‌های جدید به درون کشور، ایجاد اشتغال خصوصا در مناطق محروم، افزایش تجارت و صادرات که تمام این موارد، هدف واحد رشد اقتصاد ملی را دنبال می‌کند.

بنابراین بسیار ضروری و مهم است که نگاه ویژه‌تری به این مناطق داشته باشیم و تمام تلاش‌ها به‌کار بسته شود تا در آینده نزدیک شاهد تسهیل‌گیری و بهبود حداکثری در اجرای قوانین مناطق آزاد تجاری-صنعتی باشیم تا چرخ‌های اقتصادی کشورمان با سرعت بالاتری به حرکت درآیند.

یکی دیگر از عوامل موثر بر صادرات و واردات، نرخ ارز می‌باشد. سیاستگذاری‌های نرخ ارز، برای توسعه هرچه بیشتر صادرات و واردات و تاثیرگذاری آن ضرورتی انکارناپذیر است. این امر در شرایط فعلی و با عنایت به نوسانات شدید نرخ ارز، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

پرواضح است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد ایران، وابستگی شدید به صادرات نفتی و درآمدهای ناشی از آن می‌باشد؛ از این‌رو باید تمام تلاش را برای افزایش صادارت غیرنفتی که کاهش وابستگی اقتصاد به صادرات نفت را به‌دنبال دارد، معمول نماییم.

با عنایت به شرایط کنونی و موقعیت حساس کشور در این برهه زمانی، می‌طلبد دولت، شرایط و بستر لازم را برای افزایش صادرات و جبران این کسری به‌وجود آورد.

نگاهی به اقتصاد رفاه و قابلیت رویکردها در مدیریت کارآفرینی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی:

رویکرد قابلیت‌ها و توسعه کارآفرینی در بنگاه‌های اقتصادی مناطق آزاد تجاری-صنعتی

گزارش:
دکتر عبدالرسول خلیلی
کارشناس مناطق آزاد

دو رویکرد مهم که می‌تواند قابلیت‌های اقتصادی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را در کشور برای توسعه مدیریت کارآفرینی در بنگاه‌های اقتصادی در عین پذیرش اصل مالکیت خصوصی به اثبات برساند و هدایت دولت را در پیشبرد اهداف و ماموریت‌های سازمانی لازم بداند، همانا مقایسه اقتصاد رفاه و رویکرد قابلیت با هدف ایجاد و بهبود فضای کسب و کار از سوی بخش خصوصی است که در شرایط فعلی متضمن پیشرانی دولت در حمایت از سازوکار مناطق آزاد است.

نظریه اقتصادی رویکرد قابلیت

نظریه اقتصادی رویکرد قابلیت یا رویکرد قابلیت‌ها، در دهه۱۹۸۰ به صورت یک روش جایگزین برای اقتصاد رفاه در نظر گرفته شد. روشی که دخالت دولت را در پیشبرد اقتصاد جامعه جایز می‌شمرد. اقتصاد رفاهی که پس از جنگ جهانی دوم در عمل پیشتاز نظریات اقتصادی برای حل مشکلات جامعه پس از جنگ بود. اقتصاددانان رفاه معتقد بودند مسئولیت اصلاح نارسایی‌های بازار برعهده دولت‌ها است؛ زیرا پیامدهای اجتماعی بهینه، از تصمیم‌گیری ناهماهنگ افراد به دست نخواهد آمد و کاراترین راه برای مداخله، کم‌هزینه‌ترین راه‌حل است و شیوه مورد استفاده برای تعیین آن، تجزیه و تحلیل هزینه سود است. اینها همه درحالی بود که رویکرد انسانی به توسعه، چشم‌انداز جامعی را در پیوند میان آزادی، عدالت و دموکراسی برای برخورد با فقر به‌وجود آورده است، چیزی که در اقتصاد رفاه به آن توجهی نمی‌شد.

جان مینارد کینز، اقتصاددان انگلیسی راه‌حل‌های بینابین که در عین پذیرش اصل مالکیت خصوصی دخالت‌های دولتی را توصیه کرده، می‌باشد. به اعتقاد او با دخالت دولت در سازوکارهای اقتصادی و تنظیم و هدایت سازوکار بازار می‌توان نارسایی‌های بازار را برطرف ساخت و نظام اقتصادی را به سوی وضعیت بهتری از لحاظ تخصیص منابع و ایجاد اشتغال کامل (و کارآفرینی) سوق داد.

او معتقد بود نظام سرمایه‌داری آزاد، دو نقص عمده و ساختاری دارد که بدون دخالت دولت نمی‌توان آنها را برطرف ساخت. این دو نقص، اشتغال کامل عوامل تولید و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت است.

اندیشه‌های کینز در کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول مشتمل بر عوامل زیر هستند:

◆ بخش نخست اینکه، اگر نظام بازار آزاد به حال خود گذاشته شود، همیشه در وضعیت تعادل ناقص به سر می‌برد و هیچ مکانیزم درونی آن را به سوی تعادل اشتغال کامل سوق نمی‌دهد. از این‌رو، دخالت دولت برای برطرف کردن بیکاری ناخواسته عوامل تولید ضرورت دارد.

◆ دوم اینکه، بیکاری برخلاف تصور اقتصاددانان ارتدوکس به دستمزدهای انعطاف‌پذیر ربطی نداشته و سیاست ایجاد دستمزدهای انعطاف‌پذیر به جای برطرف کردن مشکل، احتمالا باعث تشدید آن می‌شود. از نظر کینز کاهش دستمزدها باعث کاهش بیشتر تقاضای کل و در نتیجه تشدید بیکاری می‌شود. از این‌رو، دولت باید با سیاست توزیع مجدد درآمد، جلو پایین آمدن تقاضای مصرفی خانوارها را در زمان رکود بگیرد.

از طرف دیگر پایین بودن سرمایه‌گذاری به عنوان بخشی از تقاضای کل، منشا اصلی بیکاری است. در این شرایط نیز دولت باید با اتخاذ تدابیری نظیر پایین آوردن نرخ بهره، انگیزه سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی را افزایش دهد.

◆ سوم اینکه، دولت می‌تواند در زمان رکود، هزینه‌های خود را افزایش دهد تا از پایین آمدن تقاضای کل و در نتیجه کاهش سطح تولید جلوگیری نماید.

به عقیده کینز سرمایه‌داری، نارسایی‌هایی دارد که نارسایی مزمن تقاضای موثر از خصیصه‌های بارز آن است. هزینه‌های مصرفی که در جامعه به عمل می‌آیند برای جذب تمام تولید کافی نیست. به همین دلیل، وقتی کارفرمایان به خود واگذار شوند، حجم اشتغالی را به کار خواهند گرفت که کمتر از تعداد کل افراد حاضر به قبول کار می‌باشند و در نتیجه بیکاری غیرارادی به طور دائمی وجود خواهد داشت.

کینز بر آن است که افزایش تقاضای موثر را نمی‌توان از طریق بالا رفتن خود به خود میزان مصرف انتظار داشت؛ زیرا در یک جامعه مفروض میل به مصرف ثابت می‌باشد و بهتر آن است که به افزایش سرمایه‌گذاری توجه شود و برای تامین این منظور، کینز وسایل و روش‌های زیر را توصیه می‌کند:

۱) تشویق به سرمایه‌گذاری از طریق سیاست انبساط پولی (افزایش حجم پول و فراهم کردن تسهیلات اعتباری). با این سیاست، نرخ بهره تنزل خواهد کرد و تفاوت سودآوری بین سودآوری نهایی سرمایه و نرخ بهره به‌وجود خواهد آمد. تاثیر این سیاست از نظر کینز محدود است.

۲)اقدام موثرتر، سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی است که برای پر کردن خلاء سرمایه‌گذاری بخش خصوصی لازم است.

طولانی شدن ناکفایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، حجم درآمد و اشتغال را در سطوحی پایین‌تر از میزان مطلوب نگاه می‌دارد و در نتیجه تقاضای موثر به میزان لازم بالا نمی‌رود و منجر به بیکاری مزمن می‌شود.

همچنین، نقش و خاصیت سرمایه‌گذاری دولتی، پر کردن جای خالی و جبران کمبودهای ناشی از تفاوت بین سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و سطح اشتغال ناقص با میزان سرمایه‌گذاری‌های لازم برای اشتغال کامل است. به‌علاوه، دولت با سرمایه‌گذاری‌های دولتی و عمومی، حفره‌ها و کمبودهایی را که در دوره رکود و کسادی به‌وجود می‌آیند، پر می‌کند و نوسانات دوری را مانع می‌شود و از به‌وجود آمدن بحران‌های ادواری اقتصادی جلوگیری به عمل می‌آورد.

از آنجا که دولت طبعا کمتر از بخش خصوصی مراقب سودآور بودن سرمایه‌گذاری خود است، می‌تواند فارغ از محاسبه منافع مادی کوتاه‌مدت، در هر موقع و به هر میزان که مصالح کلی جامعه و اوضاع و احوال اقتصادی ایجاب می‌کند، در هر یک از شعب و رشته‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی که نزدیک‌تر به جواب تشخیص دهد، سرمایه‌گذاری کند. مانند راه‌سازی و جاده‌سازی عملیات زیربنایی، سدسازی ایجاد کار و اشتغال برای بیکاران و جویندگان کار.

۳) دولت همچنین می‌تواند با اتخاذ روش مالی موثر در نحوه توزیع درآمدهای فردی، میل به مصرف جامعه را بیشتر کند و حجم و میزان هزینه کل را به سمت و جهتی که مصالح مملکت و اوضاع و احوال اقتصادی و اشتغال کامل اقتضا می‌کند، سوق دهد.

به این ترتیب کینز با صراحت و قطعیت سیاست مداخله و ارشاد دولت را در امور اقتصادی توصیه می‌کند که وسیله عمده اعمال آن نظارت بر سرمایه‌گذاری و هدف آن ثابت نگاه داشتن فعالیت اقتصادی در حد اشتغال کامل است.

بر این اساس، نقش دولت در اقتصاد کینزی را می‌توان در سیاست‌های مالی و پولی دولت خلاصه کرد.

نقش دولت در سیاست‌های مالی و پولی

سیاست‌های مالی به طور عمده به خطمشی بودجه‌ای مربوط می‌شود که از طریق آن می‌توان با افزایش هزینه‌های دولت (سیاست مالی و انبساطی) و تدابیر مالیاتی (بازتوزیع درآمد) به جبران افت ساختاری تقاضای کل پرداخت. سیاست پولی که در اصل از طریق بانک مرکزی اعمال می‌شود، ناظر بر تنظیم حجم پول به میزانی است که از افزایش ساختاری نرخ بهره جلوگیری کند و آن را در سطحی مناسب برای تشویق سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و مصرف خانواده‌ها قرار دهد.

این سیاست‌ها به طور گسترده‌ای در کشورهای صنعتی پیشرفته و نیز در بسیاری از کشورهای درحال توسعه طی دو تا سه‌دهه پس از جنگ دوم جهانی اجرا شد؛ اما به جز در مقاطع کوتاه‌مدت و موقت، هیچ‌گاه نتیجه مثبتی از آنها در میان‌مدت و درازمدت به دست نیامد. سیاست‌های انبساطی پولی و مالی کینزی در دهه۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به تورم و سپس تورم توأم با رکود انجامید.

اشکال اصلی نظریه اقتصادی کینز و سیاست‌های مبتنی‌بر آن به طور عمده در این نکته بود که دو مسئله بیکاری و رکود اقتصادی را فقط ناشی از کمبود تقاضای کل می‌دانست و شکاف میان سطح تولید بالفعل و بالقوه را طبیعی و مسلم فرض می‌کند. واقعیت این است که انواع مشکلات نهادی ممکن است توان تولیدی جامعه را کاهش دهد، بدون اینکه عوامل تولید بالقوه تغییر کرده باشند. زمانی که شرایط نهادی جلوی افزایش تولید را می‌گیرد، سیاست‌های انبساطی مالی و پولی دولت یا به طور خلاصه مدیریت تقاضا، کاری از پیش نخواهد برد.

به رغم آن که نظریه دولت در اقتصاد کینزی در دوره زمانی معینی رواج یافت و سیاست‌های اقتصادی توصیه شده وی در بسیاری از کشورها اجرا شد، نتایج مورد انتظار را برآورده نساخت. غفلت کینز از سازوکارهای اقتصادی در عرصه تولید، تاکیدی اغراق‌آمیز بر نقش تعیین کننده تقاضا و تحلیل‌های او درخصوص پول و سرمایه، به ناکارآمدی توصیه‌های علمی کینز منجر شد. وی برای دولت نقش اقتصادی مهم و تعیین کننده‌ای جهت ایجاد اشتغال کامل و توزیع کامل و توزیع مناسب‌تر درآمد قائل شد که حاصل آن دولتی‌تر شدن نظام اقتصادی و در نتیجه تخصیص غیربهینه منابع، کاهش بهره‌وری، گسترش بیکاری و تورم بود.

رویکرد قابلیت‌ها

در دهه۱۹۸۰، رویکرد قابلیت یا رویکرد قابلیت‌ها به عنوان یک نظریه اقتصادی که می‌تواند به عنوان روشی جایگزین اقتصاد رفاه کینز در نظر گرفته شود، با جمع‌آوری مجموعه‌ای از ایده‌هایی که قبلا از رویکردهای سنتی به اقتصاد رفاه کنار گذاشته شده بود یا به صورت مناسب به آن پرداخته نشده بود، تمرکز اصلی خود را بر اینکه افراد قادر به انجام چه کاری هستند، یعنی توانایی چه کاری را دارند، گذارده شد.

در این رویکرد، آمارتیا سن و مارتا نوسفوما، ارزیابی اندیشه خود را بر محورهای:

۱) اهمیت آزادی‌های واقعی در ارزیابی منافع یک فرد؛

۲) تفاوت‌های فردی از نظر توانایی تبدیل منابع به فعالیت‌های ارزشمند؛

۳) ماهیت چندگانه فعالیت‌هایی که افزایش شادی را در پی دارند؛

۴) دغدغه توزیع فرصت‌ها در جامعه قرار دادند؛

رویکرد قابلیت بعدها با تبدیل شدن به یک پارادایم غالب در بحث‌های مهم توسعه انسانی، الهام‌بخش ایجاد شاخص توسعه انسانی شد؛ یعنی معیاری برای توسعه انسانی که قابلیت‌ها را از لحاظ بهداشت، آموزش و درآمد اندازه می‌گیرد.

علاوه‌بر آن، از اوایل دهه۲۰۰۰ میلادی، این رویکردی با علاقه‌مندی به سلامت انسان، به شاخصی مهم در فهم اساسی کارکردهای توسعه‌ای شامل بودن‌ها و انجام دادن‌ها تبدیل شده است. در نتیجه این رویکرد بود که زندگی را می‌توان به منزله مجموعه‌ای از کارکردهای به هم مرتبط دانست.

کارکردها در این رویکرد، عبارت از حالت‌ها و فعالیت‌هایی هستند که وجود یک فرد را می‌سازند. نمونه‌های کارکردها می‌توانند از موارد عادی مانند سالم بودن، داشتن یک شغل مناسب و ایمن بودن شروع شده و حالت‌های پیچیده‌تری مانند خوشحال بودن، احترام گذاشتن به خود و داشتن آرامش را در بر بگیرد.

علاوه‌بر این، آمارتیا سن، کارکردها را برای درک کامل رویکرد قابلیت اساسی دانسته و قابلیت را به صورت اندیشه آزادی برای رسیدن به عملیات ارزشمند مفهوم‌سازی کرده است. به بیان دیگر، کارکردها عبارت از موضوعات قابلیت‌ها در این رویکرد هستند: چیزی که قادر بر آن هستیم، می‌خواهیم قادر بر آن باشیم یا باید قادر بر بودن یا انجام دادن باشیم. بنابراین، ترکیب انتخابی هر فرد از کارکردها، چیزی که هستند و چیزی که می‌توانند انجام دهند، بخشی از مجموعه کلی قابلیت‌های آنان است؛ یعنی کارکردهایی که می‌توانستند انجام دهند. همچنین می‌توان کارکردها را به شکلی مفهوم‌سازی کرد که بر قابلیت‌های یک فرد دلالت داشته باشند. خوردن، گرسنگی همه به عنوان کارکردهایی هستند، هرچند کارکرد گرسنگی کشیدن با غذا نخوردن کاملا متفاوت است؛ زیرا غذا نخوردن برخلاف گرسنگی کشیدن متضمن یک انتخاب است و به صورت تصمیم برای گرسنه‌ماندن به‌رغم وجود گزینه‌های دیگر فهمیده می‌شود.

در نتیجه، فهم اینکه چه چیزی کارکردها را می‌سازد، بسیار با درک قابلیت‌ها با هم در ارتباط هستند. قابلیت‌ها ترکیب‌های بدیلی از کارکردها هستند که برای فرد قابل دسترس هستند.

شکل‌بندی قابلیت‌ها دارای دو بخش است: کارکردها و آزادی فرصت، یعنی آزادی حقیقی برای پیگیری ترکیب‌های گوناگون کارکردی. در نهایت، قابلیت‌ها فرصت و توانایی یک فرد برای ایجاد نتایج ارزشمند را با توجه به ویژگی‌های شخصی و عوامل بیرونی روشن می‌سازد.

مهم‌ترین بخش این تعریف، آزادی رسیدن است؛ زیرا اگر آزادی تنها به عنوان ابزاری برای رسیدن به یک هدف دارای ارزش ابزاری باشد و ارزش ذاتی فی‌نفسه ارزشمند برای رفاه یک فرد نداشته باشد، در این صورت ارزش مجموعه قابلیت یک فرد به طور ساده براساس ارزش ترکیب واقعی کارکردهای او تعریف خواهد شد.

مقایسه این دو رویکرد، قابلیت‌های اقتصادی را برای توسعه کارآفرینی در بنگاه‌های اقتصادی خصوصا مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در عین پذیرش اصل مالکیت خصوصی، از طریق هدایت دولت تایید می‌کند. به‌ویژه که در ماده۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، برای ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفای نقش موثر آنها در تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور، بر اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در این مناطق، هم‌پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخش‌های مختلف تاکید شده است.

در ماده۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی دولتی مستقر در این مناطق به استثنای نهادهای دفاعی و امنیتی، برعهده مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، به عنوان بالاترین مقام منطقه گذارده شده است.

دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی عنوان کرد:

شاخص سهولت کسب‌وکار در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران از میانگین جهان بهتر است!

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی گفت: دولت سیزدهم با سهولت در بروکراسی اداری و ارائه بسته‌های حمایتی، موجب جهش سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی شده است.

حجت‌الله عبدالملکی در مراسم رونمایی از ۸۵۰بسته سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که با حضور محسن منصوری معاون اجرایی رئیس‌جمهور برگزار شد؛ رشد سریع تراز تجاری مثبت در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را از دستاوردهای دولت سیزدهم برشمرد و افزود: به طوری که برای جهش سرمایه‌گذاری در این بخش، زیرساخت‌های موردنیاز برای پروژه‌ها ازجمله زمین، آب، برق، گاز، جاده و دسترسی مهیا شده است.

وی اظهار داشت: برای حمایت از سرمایه‌گذاران، مجوزهای بی‌نامی برای تک‌تک این پروژه‌ها صادر شده که حاکی از این است که سرمایه‌گذاران نگران مراحل اداری کار نباشند؛ بلکه ما فرآیند ارزیابی و مطالعاتی و محیط زیستی را انجام داده‌ایم و مجوزها صادر گردیده است.

مشاور رئیس‌جمهور مشکلی که سرمایه‌گذاران مطرح می‌کردند را، پیچ و خم‌های اداری برای دریافت زمین و زیرساخت‌ها دانست و عنوان کرد: مشکلات زیرساختی برای سرمایه‌گذاری در مناطق مذکور در دولت سیزدهم برطرف شده و اکنون سرمایه‌گذار می‌تواند طرح خود را انتخاب کند.

عبدالملکی به سه مرحله تولید و رونمایی بسته‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اشاره کرد و گفت: در مرحله اول، ۱۸اردیبهشت‌ماه ۳۷۰بسته را به ارزش ۲۳۰هزار میلیارد تومان رونمایی کردیم از همان زمان بازاریابی شروع شد در نمایشگاه اکسپو تهران از بسیاری کشورهای دنیا حضور پیدا کرده بودند و سرمایه‌گذارانی از کشورمان نیز بودند، این بسته‌ها را عرضه نمودیم.

وی ادامه داد: در مرحله دوم، در حضور معاون اول ریاست جمهوری ۳۳۰بسته به ارزش ۲۰۰هزار میلیارد تومان به این پروژه‌ها اضافه شد.

به گفته دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی؛ در مرحله سوم، ۱۵۰طرح جدید اضافه شده که ۴۰مورد مربوط به مناطق آزاد و ۱۱۰بسته مربوط به مناطق ویژه اقتصادی است.

عبدالملکی اذعان داشت: برای اولین بار بسته‌های مناطق ویژه اقتصادی به ارزش ۲۱۸هزار میلیارد تومان عرضه شده است. درحال حاضر ۸۵۰بسته به ارزش ۶۴۸هزار میلیارد تومان (معادل ۱۵میلیارد یورو) آماده گردیده؛ این بسته‌ها در وب‌سایت دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی بارگذاری شده است و با همکاری از طریق رسانه‌ها اطلاع‌رسانی می‌شوند.

وی ادامه داد: تاکنون چهار رویداد داخلی و خارجی در تهران، مشهد، سلیمانیه عراق و ارمنستان داشتیم؛ رویداد بعدی، نمایشگاه سرمایه‌گذاری کشور چین می‌باشد و تاکنون بیش از ۱۰۰بسته بازاریابی شده است.

عبدالملکی با بیان اینکه باید به سرمایه‌گذاران فرصتی بدهیم تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری را بررسی کنند، تصریح کرد: حجم زیاد کار در نیمه‌دوم سال اتفاق می‌افتد؛ این یک رویداد کم‌نظیر از نظر کارشناسان اقتصادی داخلی و خارجی است و فکر می‌کنیم بخشی از این پتانسل تولیدی و مناطق را به فعلیت می‌رسانیم.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در پایان خاطرنشان کرد: بحث بهبود فضای کسب‌وکار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را همزمان دنبال می‌کنیم و به‌زودی سندی را رونمایی خواهیم کرد که نشان می‌دهد شاخص سهولت کسب‌وکار در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در ایران از میانگین جهان به مراتب بهتر است.

یادداشت

تحقق بند۱۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با توانمندسازی نیروی انسانی در مناطق آزاد

یادداشت:
محمدرضا حسین‌نژاد
کارشناس مدیریت

پس از سال‌ها تجربه، اکنون دنیا به این نتیجه رسیده است که اگر سازمانی بخواهد در اقتصاد و امور کاری خود پیشتاز باشد و در عرصه رقابت عقب نماند، باید از نیروی انسانی متخصص، خلاق و باانگیزه بالا برخوردار باشد. هدف از توانمندسازی نیروی انسانی، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه انسان‌ها به منظور توسعه ارزش افزوده سازمانی، تقویت احساس اعتمادبه‌نفس و چیرگی بر ناتوانی‌ها و درماندگی‌های فردی است. به عبارت دیگر هدف از توانمندسازی، ارائه بهترین منابع فکری مربوط به هر زمینه‌ای از عملکرد سازمان است.

یکی از روش‌های مهم متبلور کردن خلاقیت، به‌وجود آوردن فضای محرک، مستعد و به‌طور کلی خلاق است. توانمندی به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن مدیر به کارکنان کمک می‌کند تا توانایی لازم برای تصمیم‌گیری مستقل را به‌دست آورند. این فرآیند نه‌تنها در عملکرد افراد، بلکه در شخصیت آنان نیز موثر است. افراد توانمند نه‌تنها از امکانات انجام دادن برخی کارها برخوردار می‌شوند، بلکه اندیشه آنان درباره خود نیز با آنچه پیش از توانمند شدن داشته‌اند، متفاوت می‌گردد.

با عنایت به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری که در بند۱۱ آن به نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اشاره شده است، این مناطق از کشور می‌توانند نقش موثری در پیشبرد اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ایفا نمایند.

نخستین گام در اقتصاد مقاومتی، ارزیابی واقع‌بینانه از شرایط و توان داخلی و شناخت موانع پیش‌روی است و پس از آن با بهره‌گیری از مدیریت هماهنگ، عملیاتی و هوشمند، امکان استفاده بهینه از علم، متخصصان و منابع داخلی در جهت دسترسی به بیشترین سود و کاهش هزینه‌ها و هدررفت منابع فراهم می‌شود.

اقتصاد مقاومتی درواقع اقتصاد ایده‌آلی است که بر پایه اصول اسلامی بنا شده و با کارآفرینی سالم، نوآوری، مبارزه با رانت‌خواری و تقویت تولید داخلی، زمینه رشد و توسعه را فراهم می‌نماید. برای تحقق این مهم، وارد کردن سرمایه‌های مردمی در چرخه تولید و البته جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نقش موثری دارد.

روان‌سازی سیاست‌های اجرایی در جذب سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد کشور نیز یکی از فاکتورهای توسعه اقتصاد مقاومتی است.

اگر استفاده از توان پژوهشی محققان داخلی و تقویت صنایع دانش‌بنیان را به عنوان راهکارهای موثر در تقویت اقتصاد مقاومتی در نظر بگیریم؛ توسعه مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی و تاسیس کارخانه‌های صنعتی با فناوری بالا در مناطق آزاد کشور، امکان بهره‌مندی از طرح‌های تازه پژوهشی، ایجاد واحدهای تولیدی، توسعه صادرات و حضور موفق در بازارهای منطقه‌ای را فراهم کرده است و البته با اجرای سیاست‌های حمایتی دولت این چرخه شتاب بیشتری خواهد گرفت.

هدایت هدفمند سرمایه‌ها و اعمال سیاست‌های بانکی در راستای حمایت از فعالیت سرمایه‌گذاران، یکی دیگر از حلقه‌های مفقوده زنجیره تقویت تولیدات داخلی است که با توجه به قوانین مناطق آزاد و تمایل فعالان اقتصادی برای فعالیت در این مناطق، می‌تواند به نقطه قوتی برای توسعه اقتصادی کشور تبدیل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های موردنیاز جهت تحقق اهداف تعیین شده در بند۱۱ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و نیز اهداف تعین شده در ماده(یک) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، منابع انسانی است که به عنوان مهم‌ترین سرمایه و رکن اصلی سازمان‌ها محسوب می‌گردد.

توانمندسازی، فرآیند توسعه است، فرآیندی که باعث افزایش توان کارکنان برای حل مشکل ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی کارکنان می‌شود و آنان را قادر می‌سازد تا عوامل محیطی را شناسایی کنند و تحت کنترل خود درآورند.

تعهد سازمانی عبارت از نگرش‌های مثبت یا منفی افراد نسبت به کل سازمانی (نه شغل) است که در آن مشغول به کارند. در مناطق آزاد یکی از مهم‌ترین تعهدات، تعهد به ماموریت‌ها و اهداف است که در ماده(یک) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و سیاست‌های بند۱۱ اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است.

مدیران باید تعهد و پایبندی کارکنان را به سازمان حفظ کنند و برای این امر باید بتوانند با استفاده از مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری و فراهم کردن سطح قابل‌قبولی از امنیت شغلی برای آنان، تعهد و پایبندی را بیشتر کنند. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داده است که بین توانمندی کارکنان با تعهد سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به اینکه مهم‌ترین و حیاتی‌ترین دارایی هر سازمان، منابع انسانی می‌باشد، از این‌رو مهم‌ترین ابزار برای ایجاد تحول در هر سازمان، توانمندسازی نیروی انسانی است.

توانمندسازی کارکنان، محوری‌ترین تلاش مدیران در نوآفرینی، تمرکززدایی و حذف دیوان‌سالاری در سازمان‌ها است. از آنجایی که میزان وفاداری کارکنان در سرنوشت و بقای سازمان تاثیرگذار است و لازمه این بقا وجود کارکنان متعهد به سازمان است؛ بنابراین ارتباط مستقیم توانمندی کارکنان متعهد با تعهد کارکنان، باعث افزایش عملکرد و بهره‌وری سازمان خواهد شد.

از طریق برنامه‌های توانمندسازی، ظرفیت‌های کاری با تفویض اختیار، افزایش مسئولیت، خودمختاری در تصمیم‌گیری و احساس خودکامی افزایش می‌یابد و در نتیجه بهره‌وری و اثربخشی سازمان افزایش می‌یابد.

توانمندسازی دارای مزایای زیادی است که ازجمله آنها می‌توان تمرکز بر مشتری، اتحاد در تصمیمات مشارکتی، مشارکت کارکنان در مسئولیت‌ها، افزایش مهارت، چابکی در سازمان، کاهش استرس، بهبود شرایط و... را ذکر کرد، که پیاده‌سازی این موارد منجر به ایجاد کارکنان متعهد در سازمان می‌شود که سازمانی با کارکنان متعهد و توانمند سازمانی، کارایی بالایی خواهد داشت.

لذا در صورتی که مناطق آزاد به‌دنبال تحقق اهداف ماده(یک) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و بند۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشند، بایستی با توانمندسازی نیروی انسانی موجبات افزایش تعهدات سازمانی آنها را فراهم سازند.

هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مرضیه حسینی
زیرنظر: شورای سردبیری
www.freezonesnews.com
خبرنامه مناطق آزاد
گزارش
آدرس دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت تیر، ابتدای خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان مشاهیر، پلاک ٦٤، واحد ٥
تلفن: ۸۸۸٤۱٦٤۸ فکس: ۸۸۸۱٤۷۳۳
چاپ: گل آذین - ٦٦۷۹۱۳٦۹ بازرگانی و توزیع: موسسه آزاد کهن قشم

یادداشت

بهره‌برداری از دریا، مستلزم توسعه فن‌آوری‌های دریایی است

یادداشت:
الهه خدری
کارشناس مناطق آزاد

دریا همواره در طول تاریخ عرصه‌ای تمدن‌ساز بوده است و کشورهایی که دسترسی به دریا و توان استفاده از آن را داشته‌اند، توانسته‌اند قدرت و نفوذ خود را در جهان توسعه دهند. کشور ایران نیز با قرارگیری در مجاورت خلیج‌فارس، دریای عمان و دریای خزر، از موهبتی بزرگ برخوردار است.

وسعت خلیج‌فارس اندکی کمتر از ۲۴۰هزار کیلومترمربع بوده که سومین خلیج بزرگ جهان به‌شمار می‌آید. همچنین دریای عمان با حدود ۹۰۰هزار کیلومترمربع مساحت، پیشروی اقیانوس هند در خشکی‌های آسیای جنوب غربی است؛ و دریای خزر نیز با مساحت حدود ۴۰۰هزار کیلومترمربع، بزرگ‌ترین دریاچه جهان است.

گفتنی است، ایران با احتساب جزایر خلیج‌فارس از ۵هزار و ۸۰۰کیلومتر خط ساحلی برخوردار است که ۴هزار و ۹۰۰کیلومتر آن در جنوب و مابقی در شمال قرار دارد و از این حیث از موقعیتی منحصربه‌فرد در منطقه برخوردار می‌باشد.

دریای خزر و خلیج‌فارس دارای ذخایر عظیم نفت و گاز بوده و عمده کشورهای تولیدکننده نفت جهان در اطراف خلیج‌فارس قرار دارند؛ به نحوی که این منطقه به عنوان گلوگاه انرژی جهان شناخته می‌شود.

قرار گرفتن در مسیر کریدور ترانزیتی شمال-جنوب دیگر مزیت برجسته ایران است که باعث برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای اروپایی، روسیه، آسیای میانه و قفقاز با جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و نیز کشورهای خاور دور و اقیانوسیه می‌شود. همچنین ارتباط کشور افغانستان به آب‌های آزاد از طریق محور ترانزیتی شرق کشور برقرار می‌گردد.

در حدود ۹۰درصد از صادرات و واردات ایران از طریق حمل‌ونقل دریایی انجام می‌گیرد و کل صادرات نفتی نیز از طریق خلیج‌فارس و تنگه هرمز صورت می‌پذیرد.

در ارتباط با گردشگری دریایی و صنعت توریسم نیز با توجه به خط ساحلی طولانی و مجاورت با آب‌های گرم، کشور ایران می‌تواند از جاذبه‌های گردشگری مطرح در سطح جهانی بوده و گردش مالی بالایی را به خود اختصاص دهد.

جوامع مرجانی و جنگل‌های مانگرو به ترتیب دومین و سومین بوم غنی زیستی دنیا هستند که در آب‌های ساحلی استان هرمزگان قرار دارند. در حوزه محیط‌زیست دریایی می‌توان به وجود زیستگاه‌های آبسنگ‌های مرجانی، جنگل‌های مانگرو، بسترهای علفی، زیستگاه‌های جلبکی، پهنه‌های گلی جزر و مدی، سواحل شنی و ماسه‌ای، کرانه‌های سنگی، مصب رودخانه‌های دائمی و ده‌ها خور بزرگ و کوچک اشاره کرد.

لاک‌پشت‌های دریایی، پستانداران دریایی، پرندگان آبزی، انواع ماهی‌ها، بی‌مهرگان دریایی، میکرو جلبک‌ها و ماکرو جلبک‌های دریایی از گونه‌های جانوری و گیاهی شاخص در خلیج‌فارس و دریای عمان هستند. تنوع اکوسیستم‌های آبی و وجود گونه‌های متنوع جانوری و گیاهی پتانسیل لازم را برای مطالعات زیست فن‌آوری در این منطقه فراهم آورده است.

لازم به تاکید است، توسعه بهره‌برداری از دریا، مستلزم توسعه فن‌آوری‌های دریایی است. به‌کارگیری علم و فن‌آوری، علاوه‌بر توسعه کمی بهره‌برداری از دریا در زمینه‌های گوناگون ازجمله صنعتی، اقتصادی، پژوهشی، نظامی، گردشگری و...، باعث افزایش کیفیت استفاده و نیز کاهش هزینه‌های بهره‌برداری نیز می‌شود. توسعه فن‌آوری از یکسو نیازمند توسعه دانش و از سوی دیگر عامل تسریع توسعه علم و دانش در کشور است و در نتیجه سرمایه‌گذاری بر روی فن‌آوری‌های دریایی باعث جهش علمی قابل‌توجهی در کشور می‌گردد که پیامدهای مثبت اقتصادی و اشتغالی را نیز به همراه دارد.

شرکت‌های دانش‌بنیان، موسسات خصوصی یا تعاونی هستند که اهداف اقتصادی آنها از مسیر تحقیق، نوآوری، ابداع و اختراع در حوزه فن‌آوری‌های برتر و با ارزش افزوده و تجاری‌سازی نتایج این فعالیت‌های علمی و پژوهشی، تامین می‌شود. محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان اطلاعاتی کاربردی است که توسط افراد تحصیلکرده و باتجربه تولید می‌شود.

رشد اقتصاد مبتنی‌بر فن‌آوری، نیازمند بنیان علمی کارآمد و مولد در کشور است که وجود شرکت‌های دانش‌بنیان پاسخی به این نیاز حیاتی است.

فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه دریا به منزله شالوده توسعه فناوری‌های دریایی بوده و می‌تواند دانش و اطلاعات موردنیاز در این زمینه را تامین کند.

از سوی دیگر، علاوه‌بر اینکه توسعه این شرکت‌ها به درآمدزایی برای دانشگاه‌ها، موسسات پژوهشی، اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و سایر تحصیل‌کردگان دانشگاهی منجر می‌شود؛ محصولات آنها نیز در صورت سیاستگذاری‌ها و حمایت‌های لازم، می‌تواند باعث رونق فن‌آوری و اشتغال در سطح کشور گردد و از آنجا که تاکنون در زمینه فن‌آوری‌های دریایی به اندازه سایر عرصه‌ها سرمایه‌گذاری فکری و اقتصادی صورت نگرفته است، این حوزه از پتانسیل بالایی برای کار و فعالیت و سرمایه‌گذاری برخوردار است.

همچنین با افزایش فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با دریا در سال‌های اخیر، نیروی انسانی تحصیلکرده نیز مهیای به‌کارگیری است که این امر خود به رونق اقتصاد، صنعت و دانشگاه منجر می‌شود.

با توجه به تنوع و تعدد زمینه‌های سرمایه‌گذاری در حوزه فن‌آوری دریا و رشد سریع دانش و فن‌آوری در جهان، و نیز پتانسیل‌ها و نیازهای کشور، همچنین محدودیت منابع، لازم است جهت‌گیری و سیاستگذاری مناسب درخصوص انتخاب مسیرهایی که بایستی سرمایه‌های مدیریتی، انسانی و مالی معطوف به آنها شوند، صورت گیرد. در غیر این صورت فعالیت‌های پراکنده و با جهت‌گیری‌های متفاوت موجب اتلاف منابع شده و برآیندی روبه جلو نخواهند داشت.

نقشه‌راه فناوری‌های دریایی کشور ضمن تعیین چشم‌انداز بلندمدت، موجب شفاف شدن اولویت‌ها و نیازهای حال و آینده کشور در زمینه فن‌آوری‌های دریایی می‌شود.

در نتیجه، صنایع دریایی به عنوان یکی از صنایع مادر می‌تواند نقش موثری در رشد و توسعه کشور داشته باشد. این حوزه در بر گیرنده طیف وسیعی از فعالیت‌ها همچون ساخت، تعمیر و تغییر سازه‌های گوناگون، تهیه همه ابزار و تدارک خدمات و نیازمندی‌های مرتبط با انواع کشتی، شناور، سکوهای فراساحل، ناوبری، دریانوردی، دریاداری، بندرداری، خدمات بندری و صید و صیادی می‌باشد.

سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی و خصوصی متفاوتی که مرتبط با این صنعت می‌باشند، طیف وسیعی را شامل شده که ازجمله می‌توان به مراکز آموزشی دریایی، انجمن‌های صنفی و تخصصی دریایی، شرکت‌های خدمات فنی و مشاوره و مهندسی دریایی، پژوهشگاه‌های دریایی و واحدهای تولید تجهیزات و قطعات و سازه‌هایی دریایی و فراساحل، شیلات، بنگاه‌های رده‌بندی و بازرسی دریایی، بندرها، مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی، سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی، شرکت‌های ترابری و خدمات بازرگانی دریایی، شرکت‌های نفتی دریایی و مراکز صنعتی دریایی ایران اشاره نمود.

صنایع دریایی شامل حوزه وسیعی از صنایع می‌شود که هر کدام می‌توانند پشتوانه و مهد توسعه علم و فناوری باشند، همان‌طور که قابلیت‌ها و توانمندی‌های متفاوتی در صنایع دریایی موجود می‌باشد، چالش‌ها و نقاط ضعفی در این صنعت وجود دارد که اشتغال‌زایی و کارآفرینی را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد.

دیربازده بودن پروژه‌های دریایی خصوصا در زمینه ساخت سازه‌های دریایی و شناور ازجمله عواملی می‌باشد که اشتیاق کارآفرینان را جهت ورود به این حوزه کاهش می‌دهد. از طرفی سرمایه موردنیاز در این حوزه نسبت به سایر حوزه‌های کارآفرینی بیشتر می‌باشد که نیازمند حمایت دولت و مشارکت ارگان‌های متفاوتی همچون بانک می‌باشد.

علاوه‌بر سرمایه‌گذاری سنگین، تامین بخش اعظم نیازها و تجهیزات دریایی در قالب واردات شکل می‌گیرد که امکان رقابت شرکت‌های کارآفرین داخلی را با شرکت‌های بین‌المللی عملا غیرممکن می‌سازد.

شناسایی افراد خلاق در رشته‌های دریایی و ارائه تسهیلات مالی با هدف عملی نمودن نتایج تحقیقات می‌تواند ورود کارآفرینان را در این بخش نیز تسهیل سازد. این امر از طریق سیاستگذاری‌های کلان دولتی، توجه بخش آموزش به مباحث کارآفرینی در راستای تقویت مهارت‌های دانشجویان و حمایت مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری از تحقیقات و پژوهش‌های دریایی امکان‌پذیر می‌باشد.

بررسی مزیت‌ها و ظرفیت‌های حوزه حمل‌ونقل مناطق آزاد در راستای رونق صنعت ترانزیت کشور:

کریدورهای ترانزیتی مناطق آزاد، ابزاری جهت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای ایران

گزارش:
نیما رجبی
کارشناس حوزه ترانزیت

کریدور مسیری است که برای تعریف مسیر و مقررات مورد توافق جهت تسهیل و تسریع در حمل‌ونقل کالا مورد توافق قرار گرفته و به عنوان محور ترافیک کالا در سطح بین‌المللی، کشوری و منطقه‌ای تلقی و مورد بهره‌برداری همه طرف‌های ذی‌نفع قرار می‌گیرد.

کریدورها یا همان مسیرهای حمل‌ونقل کالا بر بستر حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و یا دریایی (حتی رودخانه‌ای) با توافق و همکاری مشترک طرف‌های ذی‌نفع مسیر ترانزیت کالا ایجاد می‌شود و قواعد و ضوابط توافق شده را می‌توان در اتحادیه بین‌المللی حمل‌ونقل جاده‌ای (ایرو)، در سازمان بین‌المللی دریانوردی (آیمو)، در اتحادیه بین‌المللی راه‌آهن‌ها یا همچنین در سازمان بین‌دولتی برای حمل‌ونقل بین‌المللی جستجو نموده و موردتوجه قرار داد.

نکته قابل‌توجه که به عنوان یک پیش‌فرض از الگوهای باستانی و پیشامدرن در روابط تجاری بین‌المللی به دوران معاصر نیز منتقل و به‌روزرسانی شده و باید بر آن تاکید کرد، این واقعیت است دولت‌ها متضمن امنیت و رعایت اصول مورد توافق تجارت آزاد میان بازرگانان کشورهای بهره‌بردار مسیر بودند و این ذی‌نفعان یعنی همان بخش خصوصی است که تشخیص می‌دهد این کریدور مفید به فایده و سودآور است، یا خیر.

از سوی دیگر، کریدورها مشکلات تجاری همچون عدم امنیت در مسیرهای مبادله کالا، تسهیل و افزایش خدمات و امکانات زیرساختی و نرم‌افزاری در طول مسیر، وجود تعدد قوانین و مقررات تجاری به‌ویژه در عرصه اخذ عوارض که عموما به دلیل تغییر و تحولات سریع ساختارهای حکومتی در کشورهای مختلف متغیر بود را به عنوان الزامات و پیش‌نیازهای تداوم یک کریدور بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهند؛ که نمونه موفق آن نیز مسیر تجاری جاده ابریشم از چین تا اروپا بوده است.

نتیجه اینکه، کریدورها با توافق کشورها به منظور کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، تضمین ایمنی بیشتر در مسیر مورد توافق، کاهش زمان انتقال کالا، هماهنگی در تنوع و استانداردسازی کالاهای درحال ترانزیت و کاهش بوروکراسی اداری-گمرکی و عوارض مأخوذه با توافق چند کشور در قالب یک توافق‌نامه، قرارداد و یا کنوانسیون بین‌المللی ایجاد می‌شود و در نهایت در قالب یک توافق‌نامه به ثبت جهانی می‌رسد. البته بعد از الگوی گات که تا دهه نود قرن بیستم تداوم یافت، هم‌اکنون سازمان تجارت جهانی نقش محوری در بازتعریف و باز تنظیم توافق‌نامه‌های اینچنینی را برعهده دارد.

الزاماتی برای راه‌اندازی یک کریدور بین‌المللی

در جریان تاسیس یک کریدور بین‌المللی به چه موضوعاتی باید توجه داشت؟ کریدورها با هدف دستیابی سریع، باکیفیت و ارزان به بازارها و مشتریان در جهان ایجاد می‌شوند؛ در نتیجه اگر به دنبال ایجاد یک کریدور جدید هستیم، باید توجه داشته باشیم که کریدورهای جدید به دنبال مسیری هستند که دارای شاخص‌های چون حداقل زمان، حداقل هزینه و کیفیت بالا را داشته باشند.

کریدورهایی مقبول می‌افتند که از الگوی تولید دوران پست‌مدرن یا همان دوره جهانی شدن کالا و خدمات و ارتباطات بهره می‌برند؛ بر این اساس دوران تولید انبوه خاتمه یافته و نوع تولید و کالا را مشتری تعیین می‌کند. در نتیجه کالا به تعداد زیاد تولید نمی‌شود و تنوع در برندها نیز افزایش یافته است؛ موضوع که ناشی از تغییرات سریع سلایق و علایق بازارهای مصرف می‌باشد.

از سوی دیگر در جهان مدرن، چابکی اصل مهمی در سرعت بخشیدن به حمل‌ونقل است تا به درخواست‌ها در زمان کوتاه پاسخ داده شود و خواست مشتری در اسرع زمان تامین شود. این عصر با هرگونه مرکزگرایی و اقتدارگرایی در ترانزیت کالا در سطح جهانی مخالف است. مسیرهای کنونی، اساسا به دلیل تاکید فراوان بر فرآیندهای حمل‌ونقل کالا به شیوه دریایی، قادر به پاسخ‌گویی به شرایط محیطی و تغییرات بازار نیستند.

دنیا به دنبال لجستیک چابک و حمل‌ونقل سریع با خدمات قابل کنترل بر بستر خدمات اینترنت است. تولیدکنندگان به هر طریق ممکن در صدد تصرف سریع و توزیع کالای خود در بازار مصرف هستند. بر این اساس کریدورهای جدید، کریدورهای توزیع قلمداد شده و مبدأ و مقصد نهایی آن همان محل مصرف متقاضی و مصرف‌کننده است.

ترکیبی بودن به این معنا که مسیرهای ترانزیت کالا از ترکیب حمل‌ونقل دریایی با ریلی و یا جاده‌ای حاصل می‌شود و در عین حال غیرخطی بودن مسیر کشورها از نقاط ضعف و چالش کریدوهای برجای مانده از قرن بیستم است.

از سوی دیگر در ایجاد کریدور جدید باید توجه داشت مشتری‌ها و مصرف‌کنندگان به دنبال حذف واسطه‌ها بوده و تولیدکنندگان نیز برقراری ارتباط نزدیک و عرضه سریع کالا به مشتریان را تعقیب می‌کنند.

نکته حائز اهمیت اینکه حمل ونقل دریایی ارزان است، اما سریع نیست. به نظر می‌آید دنیا به سمت مسیرهای جایگزین به جای مسیرهای دریایی درحال تغییر پارادایم است. در چنین فضایی کشورها به دنبال ایجاد مسیرهای متفاوت برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی بوده و حمل‌ونقل به عنوان یکی از عناصر لجستیک در فرآیندهای زنجیره تامین باید همسو با تولید و بازار باشد. پس می‌بایست توجه داشته باشیم که کریدورهای جدید باید همسو با تولید و بازار حرکت نمایند.

ضرورت ایجاد کریدور داخلی میان مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران

هم‌اکنون در مناطق آزاد صرفا یک کریدور بین‌المللی ثبت شده جهانی یعنی کریدور شمال-جنوب وجود دارد؛ کریدوری که دو منطقه آزاد چابهار و انزلی را به صورت مستقیم و قشم را نیز به صورت غیرمستقیم دربرگرفته است. در این میان منطقه آزاد انزلی با همکاری مسئولین چینی و قزاقی کریدوری را میان کشورهای فوق به منظور ترانزیت کالاهای ایرانی، چینی به بازارهای دوطرف و یا ضلع سوم یعنی ترکیه و عراق ایجاد کرده‌اند.

اما آیا نمی‌توان مابین مناطق آزاد ایران و یا مناطق آزاد و مناطق ویژه‌ای که در مبادی مرزی کشور قرار گرفته اند، مسیر تجاری جدید و کوتاهی را راه‌اندازی کرد؟

بی‌تردید به راحتی می‌توان براساس الگوهای عنوان شده و در چارچوب فرصت‌های همکاری فی مابین مناطق آزاد با بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی، همسایگی با کشورهای فراسوی ایران، در قالب توافق و قراردادی چندجانبه فی مابین دو منطقه آزاد یا منطقه ویژه اقتصادی، با طرف خارجی و با همکاری مدیریت کریدورهای معاونت حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی کریدور را تاسیس نمود.

بدیهی است، در این مسیر برگزاری مذاکراتی برای لحاظ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی بازرگانان و سودآوری هر چه بیشتر فعالین اقتصادی در عبور و مرور کالای خود از مسیر تجاری موردنظر، امری الزامی است؛ چراکه علی‌رغم وجود تمامی زیرساخت‌ها، اقتصادی نبودن کریدور، با عدم اقبال فعالین اقتصادی با شکست مواجه می‌شود.

در این میان می‌توان به نمونه‌هایی همچون کریدور منطقه آزاد چابهار و منطقه ویژه اقتصادی سرخس، منطقه آزاد قشم با مناطق آزاد ارس-انزلی و یا ماکو، منطقه آزاد کیش با مناطق آزاد شمالی و منطقه آزاد اروند با منطقه آزاد ارس، اروند و انزلی اشاره نمود.

نقش تعیین‌کننده کریدورهای تجاری در کسب درآمدهای ارزی

کریدورهای عبوری از کشورهای رقیب منطقه‌ای نیز درحال دور زدن مسیرهای ترانزیتی عبوری از ایران هستند که در کنار تحریم‌های اقتصادی، به عنوان رقبای مسیرهای ترانزیتی ایران ایفای نقش می‌کنند.

با توجه به تغییرات در دیپلماسی تجاری کشور؛ عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا، سازمان همکاری‌های شانگهای و بریکس و همچنین قراردادها و تفاهم‌نامه تجاری با کشورهای روسیه و چین؛ توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه به عنوان اهداف کلان تجارت بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. از سوی دیگر توسعه کشورهای چین و هند در صنعت و اقتصاد و تحریم‌های جهانی علیه کشور روسیه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران با این قدرت‌های اقتصادی، قرار گرفتن در کریدور شمال-جنوب و نیز قرارگیری در مسیر ابرپروژه «یک کمربند، یک جاده» دولت چین، امکان بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی و کسب درآمدهای ترانزیتی بیش از گذشته مهیا گردیده است.

براساس نظر بسیاری از کارشناسان حوزه لجستیک، سه عامل «زمان، هزینه و امنیت» نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه ترانزیت و حمل‌ونقل ایفا می‌کنند. برای فعال شدن مسیرهای ترانزیتی باید بر روی کاهش زمان و هزینه این عوامل تلاش کرد.

لجستیک به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر دو عامل هزینه و زمان، نقش‌آفرین است. درواقع لجستیک مجموعه عوامل تاثیرگذار بر حمل‌ونقل است که با بهبود روش‌های حمل‌ونقل و وسایل حمل و نیز اصلاح فرآیندها، می‌توان شاهد کاهش هزینه‌ها و زمان حمل کالا باشیم. از طرفی، کریدورهای عبوری از کشورهای رقیب منطقه‌ای نیز درحال دور زدن مسیرهای ترانزیتی عبوری از ایران هستند که در کنار تحریم‌های اقتصادی، به عنوان رقبای مسیرهای ترانزیتی ایران ایفای نقش می‌کنند. با احداث مسیرهای ریلی در کشورهای رقیب و ایجاد بسترهای مناسب حمل‌ونقلی در آن کشورها، می‌توان شاهد کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و کاهش زمان حمل کالا در آن کشورها باشیم که در کنار تحریم‌های ناجوانمردانه غرب، شرکت‌های بین‌المللی را وادار خواهد کرد تا علاوه‌بر اقتصادی بودن آن مسیرها، ریسک تحریم را نیز متقبل نشده و مسیرهای جایگزین ایران را انتخاب نمایند.

کریدورهای تجاری می‌توانند به عنوان پدافند غیرعامل و نقشی تعیین‌کننده در دور زدن تحریم‌ها، تامین مواد اولیه و کسب درآمدهای ارزی کشور محسوب گردند. موقعیت جغرافیایی مناطق آزاد کشور، هر یک دارای مزیت‌های جغرافیایی خاص با کشورهای هدف و هم‌مرز هستند که در کنار مزیت‌های قانونی مشترک می‌توانند در توسعه تجارت و صنعت اثرگذار باشند.

در کنار مناطق آزاد هشتگانه فعلی، مناطق آزاد جدیدی نیز درحال فعال شدن هستند که می‌توانند در این توسعه کمک شایانی نمایند. با نگاهی اجمالی به مناطق آزاد جدید، مشاهده می‌شود کشورهای همسایه شمال‌شرقی و شرق نیز مورد هدف توسعه تجارت با مناطق آزاد قرار گرفته است و تعداد این مناطق در نیمه غربی کشور نیز افزایش یافته است.

ظرفیت‌ها و مزیت‌های قانونی و امکانات زیرساختی مناطق آزاد در حوزه ترانزیت

با عنایت به موقعیت جغرافیایی مناطق آزاد کشور که عمدتا در مناطق مرزی کشور واقع شده‌اند، هر یک دارای زیرساخت‌های اقتصادی خاص و برای اهداف خاصی برنامه‌ریزی شده‌اند که شامل قطب‌های گردشگری، تجارت و صنعت می‌باشد و براساس همین طرح‌های مختلف، هر یک از مناطق احداث و یا درحال ساخت می‌باشد. وجود بندر، ایستگاه راه‌آهن و پایانه‌های گمرکی در برخی از این مناطق را می‌توان از زیرساخت‌های لجستیکی مناطق آزاد جهت توسعه ترانزیت و یا واردات و صادرات کالا دانست.

یکی از مزیت‌های مناطق آزاد، امکان واردات مواد اولیه، تولید کالا در مناطق و صادرات محصول تولیدی به خارج از کشور می‌باشد که علاوه‌بر کاهش هزینه تمام‌شده، اشتغال‌زایی، رونق تولید و خلق ارزش می‌نماید که با ارتباط میان مناطق می‌توان شاهد استفاده بهینه از این ظرفیت در مناطق آزاد بود؛ به طوری که مواد اولیه از یک منطقه وارد و محصول تولید شده در منطقه بدون پرداخت عوارض گمرکی به منطقه آزاد دیگر ترانزیت و از آنجا به خارج از کشور صادر گردد.

یکی از موانع توسعه لجستیک، نامشخص بودن متولی لجستیک در کشور است. عوامل و دستگاه‌های مختلفی در این حوزه تاثیرگذار هستند. گمرک، راهداری، کشاورزی، استاندارد، بنادر و...؛ سازمان‌هایی که در هزینه‌ها و زمان ترخیص، حمل، صدور مجوزها و... ایفاگر نقش هستند. به طور کلی سه وزارتخانه راه، صمت و اقتصاد در این زمینه متولی هستند.

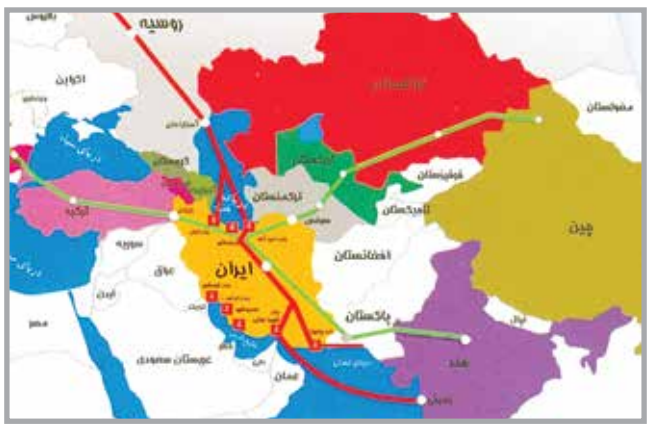

لزوم تکمیل زیرساخت‌های جاده‌ای، ریلی و دریایی همچون تکمیل خطوط ریلی، رفع کمبود واگن و لوکوموتیو، نوسازی ناوگان کامیون‌ها و رفع نواقص جاده‌ای، افزایش شناورهای تجاری و تجهیزات بندری و کانتینرهای حمل کالا به عنوان سخت‌افزارهای لجستیکی و اصلاح فرآیندها و استفاده از فن‌آوری‌های نوین و مدیریت زنجیره‌های تامین به عنوان زیرساخت‌های نرم‌افزاری محسوب می‌شوند که به دلیل وحدت فرماندهی در مناطق آزاد و اختیارات قانونی این مناطق، این هماهنگی بین دستگاه‌ها می‌تواند در جهت اصلاح فرآیندها و نیز بهبود زیرساخت‌ها و تاسیسات و ماشین‌آلات تخلیه و بارگیری کالا به دلیل معافیت‌های گمرکی ارزان‌تر تامین گردد که علاوه‌بر رونق مناطق آزاد، باعث رشد و رونق کشور نیز می‌شوند.

در عصر جهانی شدن، مدیریت صحیح زنجیره تامین، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تولید، پردازش یا محل مصرف کالاها، به حداقل رساندن هزینه‌های تولید، نقش مناطق به عنوان مبادی ورودی و خروجی کالاها، هر روز پررنگ‌تر از گذشته می‌شود، که می‌تواند در کاهش هزینه حمل و تاثیر مستقیم بر هزینه تمام‌شده کالا یا خدمات تولیدی اثرگذار باشد. لذا به منظور توسعه ترانزیت و فعال‌سازی کریدورهای تجاری عبوری از ایران می‌توان از طریق سه دهلیز غربی، شرقی و دهلیز کاسپین بهره برد.

کریدور شمال-جنوب، مهم‌ترین حلقه تجارت بین آسیا و اروپا می‌باشد که در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان، تا ۴۰درصد کوتاه‌تر و از نظر هزینه تا ۳۰درصد ارزان‌تر می‌باشد. راه‌گذر شمال-جنوب یکی از مسیرهای مهم ترانزیتی در آسیای میانه است و کشورهای در مسیر این راه‌گذر هر یک با تشکیل اتحادیه و انعقاد قراردادهای همکاری، در رقابتی همه‌جانبه، به توسعه و تجهیز بنادر، جاده‌ها، ترمینال و مسیرهای ریلی خود می‌پردازند. تکمیل نبودن خطوط راه‌آهن، فرسوده بودن کامیون‌ها، کمبود واگن‌ها و بروکراسی‌های اداری در گمرکات و تجهیزات بندری موجود و حتی عمر بالای کشتی‌های تجاری باعث گردیده تا زنجیره تامین جهت ترانزیت و عبور کالا از ایران با چالش مواجه شود.

ایجاد خطوط ویژه از مسیر مناطق آزاد برای اجرایی کردن ترانزیت بین‌المللی

هریک از مناطق ظرفیت و مزیت جغرافیایی و نیز زیرساخت‌های لجستیکی منحصربه‌فردی دارند؛ به عنوان مثال انزلی با داشتن دو مجتمع بندری، منطقه آزاد اینچه‌برون با داشتن خطوط ریلی، چابهار با داشتن بندر چابهار و...، اما اساس کریدورهای تجاری راه‌آهن است که به دلیل تکمیل نبودن خطوط راه‌آهن، این ارتباط حمل‌ونقلی بین مناطق آزاد آن طور که باید ایجاد نگردید.

در پایان پیشنهاداتی در جهت نقش‌آفرینی مناطق آزاد در راستای توسعه ترانزیت کالا، به شرح ذیل عنوان می‌شود:

- با توجه به مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، این مناطق می‌توانند به عنوان هاب تولید و صادرات باشند.
- شناسایی نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصت‌های مناطق آزاد و کشورهای همسایه در جهت توسعه ترانزیت و رفع موانع و نواقص موجود.
- بهبود مستمر و رفع نواقص و ضعف هریک از مناطق آزاد در عرصه لجستیک.
- تدوین برنامه هماهنگ و همکارانه مناطق آزاد جهت شتاب‌دهی به نقش‌آفرینی کشور در لجستیک منطقه‌ای و جهانی.
- تدوین الگوهای مطلوب حکمرانی جهت بیشینه‌سازی بهره‌مندی از فرصت‌های قابل دستیابی در عرصه لجستیک.